

هشدار امام!

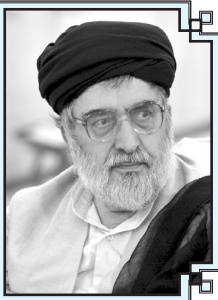
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



استاد خسرو شاهی:

کسانی که اهل
تاریخ نیستند، در
معقولات دخالت
نکنند!



صفحه ۴

سال سی و پنجم ♦ شماره ۸ ♦ شماره مسلسل ۱۴۷۸ ♦ نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

حجت الاسلام سیدرضا اکرمی:

روز قدس مبین سیاست خارجی ایران در مقابل اشغالگری است



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا اکرمی، رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری درباره جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در غزه و سکوت دولت‌های اسلامی از یک‌سو و اعتراضات مردم جهان به این جنایات از سوی دیگر گفت: درباره جنایات صهیونیست‌ها باید به سه نکته اشاره کرد. نکته اول اینکه قرآن مجید با صراحت در دو آیه اعلام می‌کند که استکبار و فرزند نامشروع آنها، اسرائیل، طبیعت‌شان جنگ، خیانت و خونریزی است.

وی ادامه داد: خداوند در آیه ۲۱۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُوكُمُ حَتَّى يَرْثُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا». یعنی کار اینها علی‌الدوام جنگ و کشتار است تا مردم را از اراده و خواست و دین خود باز بدارند. همچنین در آیه ۱۳ سوره مائده نیز خداوند تعالی می‌فرماید: «وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ»؛ که پروردگار پیامبر (ص) را به خیانت عده‌بی شماری از آنها آگاه می‌سازد. حجت‌الاسلام اکرمی اظهار کرد: الان حدود شصت سال است که اسرائیل را غاصبانه در سرزمین فلسطین بوجود آوردند. از روز پیدایش، استقرار و تداوم این رژیم جعلی روزی سراغ نداریم که اینها خانه‌ای را خراب نکرده باشند، عزیزی را نکشته باشند و مزرعه‌ای را از بین نبرده باشند. این نکته‌ای است که اگر کسی اهل مطالعه، تحقیق و انصاف باشد به چشم می‌بیند.

رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری عنوان کرد: نکته دوم اینکه بالاخره اسرائیل برای آنکه در فضای بین‌الملل خودش را نشان دهد و اظهار وجود بکند، هر از چندی باید یک جنگ فرسایشی و دامنه‌دار بوجود بیاورد که حمله چند باره به جنوب لبنان، جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان و جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روز و همین جنگ اخیر با مقاومت فلسطین و مردم غزه نمونه این اقدامات اسرائیل است که در حملات اخیر از زمین و هوا نوار غزه را بمباران کرده‌اند که تا به امروز بیش از ۳۰۰ کشته و ۳ هزار مجروح داشته است.

وی تصریح کرد: این اقدامات برای اظهار وجود است زیرا اگر اسرائیل وارد فضای جنگ و دعا نشود حرفی در سطح جهان ندارد زیرا در دنیا روز به روز در نگاه ملت‌ها در حال منزوی‌تر شدن است و حتی در نگاه برخی دولت‌ها نیز از جایگاهی برخوردار نیست.

حجت‌الاسلام اکرمی افزود: نکته سوم مسئله مواضع دولت‌ها و ملت‌هاست. قریب به اتفاق مردم جهان که از این جنایات مطلع می‌شوند اسرائیل را محکوم کرده‌اند برای اینکه می‌بینند این رژیم جعلی کودکان و زنان را می‌کشد و بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و تأسیسات آب و برق را ویران می‌کند و بی‌شک این جنایات در چشم ۷ میلیارد مردم جهان منفور، مطرود و محکوم است.

وی ادامه داد: اما درباره دولت‌ها، من خیلی توجهی به دولت‌های غربی ندارم زیرا از آنان انتظار خاصی نیست. اما چرا دولت‌های اسلامی و عربی مرگ گرفته‌اند؟ چرا مصر، اردن، عربستان، کویت و ... این حوادث و جنایات را می‌بینند اما نفسشان در نمی‌آید؟ حدود ۶۰ کشور اسلامی داریم، اتحادیه عرب و سازمان همکاری‌های اسلامی داریم، حال چرا با این وجود این مجامع و دولت‌ها هیاهو و فشاری در حمایت از مردم غزه ایجاد نمی‌کنند.

عضو جامعه روحانیت مبارز اظهار کرد: دولت‌های عربی و اسلامی فکر می‌کنند صهیونیست‌ها فقط به کشتار و بمباران جنوب لبنان و غزه اکتفا می‌کنند. اما وجدان بشری بیدار است و وقتی از این مسائل مطلع بشوند نسبت به دولت‌های خودشان اظهار انزجار می‌کنند و احساس سرشکستگی می‌کنند. ما واقعا باور داریم که «وَسَيُعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مَثَلٍ يَنْقَلِبُونَ»؛ بالاخره ظالمان و ستمگران باید بدانند که فرجام نیکی نخواهند داشت.

ادامه در صفحه

نامه آیت الله اراکی به
علماء، نخبگان سیاسی
و فکری در خصوص
اوضاع جهان اسلام



عضو شورای عالی مجمع تقریب:
وحدت اسلامی؛ یکی
از ره‌توشه‌های
هدایت قرآن است



برج‌هایی که بارگاه
توس را از ثبت
جهانی محروم
کرده‌اند



سید حسن
نصر الله یک
قهرمان است



سید جمال الدین
اسدآبادی آغازگر
تفاسیر اجتماعی
قرآن کریم است



لزوم تاسیس ۱۷
کتابخانه استاندارد و
یک کتابخانه مرکزی
استان تا پایان دهه ۹۰



جرج جرداق:

جهان عربی و اسلامی شخصیت علی(ع) را محدود کرده است

«نهج‌البلاغه» را بخوانم و آن را حفظ کنم. در حقیقت من چیزی حدود ۷۰ درصد مطالب نهج‌البلاغه را حفظ کردم. تمامی این فضاها شامل مطالعه «نهج‌البلاغه» در دوران کودکی و تمام چیزهایی که من از برادر بزرگتر خود شنیده بودم همگی باعث رشد فکری من در مورد امام علی شد و امام علی به عنوان فردی واقعا عظیم و بزرگ در ذهن و ضمیرم جا گرفت و هرچه پیش می‌رفتم بیشتر به این نتیجه می‌رسیدم که باید درباره امام علی کاری جهانی کرد و شخصیت او را به شکل متفاوتی معرفی کرد که حاصل تاثیر همه این‌ها، همین کتابی شد که شما به آن اشاره می‌کنید.

شما در کتابتان دائم از گروه‌های مختلف سوال می‌کنید. این ادبیات استقهامی چه دلیلی دارد؟ دائم می‌پرسید: «آیا بزرگی را می‌شناسید؟ آیا درباره حاکمی پرسیده‌اید...؟» این حالت استقهامی کلمات، یک اثرگذاری خاصی در نثر و محتوای کتاب شما آفریده است. چرا؟

من برای فهم امام علی، ۴۰ بار نهج‌البلاغه را خواندم. این کار نوعی تفکر و نوعی احساس شگرف در من به وجود آورد. یاد نیست اما وقتی کتاب را می‌نوشتیم یک فضایی مرا یاری می‌کرد. نهج‌البلاغه برای من یک اثر آسمانی دل‌انگیز بوده است. فکر می‌کنم مهم‌ترین متون فلسفی و ادبی عرب را که هر جوانی علمی به آن نیاز دارد، در خود جای داده است. انشاء علی(ع) پس از قرآن، عالی‌ترین نمونه بلاغت است. بلاغت و ادبیات علی(ع) همیشه در خدمت تمدن و بشریت بوده و خواهد بود. در رویارویی با این کتاب و این نثر عظیم چه می‌توانستم بگویم و بنویسم جز آن که از خودم و از بشر پرسش کنم. استقهام‌های پی‌در پی من از انسان و انسانیت است. چون علی صدای همه انسانیت است.

واقعا سزاوار است که در جهان امروز، آتش افروزان جنگ و عوامل و مسببین بدبختی‌های ملت‌ها و اقوام، به سخنان و کلمات قهرمان اندیشه انسانی، بزرگ‌مرد وجدان انسانی، علی بن ابی‌طالب (ع) گوش فرا دهند و آن‌ها را حفظ کنند و در مقابل گوینده بزرگ آن سخنان، سر تعظیم فرود آورند.

کتاب شما یک ویژگی منحصر به فرد دارد که کمتر اثری توانسته با آن رقابت کند و آن اینکه امام علی را در چارچوب‌های بسته تعریف نمی‌کنید. نه چارچوب تاریخ، نه چارچوب مذهب. نه چارچوب سیاست. چطور به این انگیزه و منطق رسیدید و این ضرورت یا خلاء را شناسایی کردید؟

ادامه در صفحه ۲

خبرگزاری ایبنا در سالروز شهادت امام علی(ع) گفت وگویی را با جرج جرداق، نویسنده کتاب «امام علی، صدای عدالت انسانی» منتشر کرده است. گزیده‌ای از این گفت و گو را در ادامه می‌خوانید.

کتاب‌های و تالیفات هر نویسنده و مولفی در یک فضای خاصی شکل می‌گیرند. در نوشتن کتاب «امام علی، صدای عدالت انسانی» اولین فضایی که شما را تحت تاثیر قرار داده، چه بود؟ آیا گرایش شما به شخصیت امام علی تاثیر خانواده بوده یا فضای اجتماعی یا علمی خاصی شما را با کتابی مانند نهج‌البلاغه انس داده است؟

محیط اجتماعی من دارای مشخصات خاصی است که مایلیم آن را به محیط خاص و محیط عام تقسیم کنم. اول محیط کشورم و سپس محیط خانواده‌ام. فضای کشور لبنان فضای عربی خالص است زیرا انسان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنم همگی عرب هستند. در این محیط تمام عرف عربی شامل اسلامی، عربی یا وثنی که قبل از اسلام و مسیحیت وجود داشته است و هر چیزی که اختصاص به عرب دارد، موجود است. این میراث ماست.

نکته جالب آن است که امام علی را عرب به خودش تخصیص می‌دهد. همان‌گونه که شیعه او را فقط متعلق به خود می‌داند. چون او از این لحاظ جزو میراث ماست. از سویی شما می‌دانید که مواردی همچون شعرخوانی و پایکوبی و دور هم جمع شدن همگی از آداب عربی قدیمی است که بعدا هم در این کشور زیادت‌ر شده. این از زاویه فضای عمومی آن، در مورد فضای اختصاصی و محیط خصوصی که محیط خانه و خانواده خود من است، باید بگویم خانواده ما معروف به خانواده اهل علم و دانش هستند. پدران و اجداد من همگی با دانش ارتباط مستقیم داشته‌اند و کتابخانه شریفی که تمام این کتاب‌های تاریخی و یادگار در آن است و از میراث پدران و اجداد من به شمار می‌روند، دلیل و شهادی بر مدعای من است. هنگامی که بچه کوچکی بودم در محیط جغرافیایی بسیار زیبا زندگی می‌کردم. وقتی از مدرسه باز می‌گشتم به طرف گیاهان خاص، صخره یا زیر درختان می‌رفتم و کتاب‌های عربی همچون «مجمع‌البحرین» شیخ نصیف الزنجی و متنی را حفظ می‌کردم. پدر مادرم و معلم من، مرا درک نمی‌کردند. به همین دلیل سراغ برادر بزرگم می‌رفتم. او شاعر و دانشمند ریاضی و زبان بود. یادگیری این مطالب نزدی از مطالب مدرسه برایم شیرین‌تر بود. پس در حالی که نوجوانی کوچک بودم به سراغ برادر بزرگم فؤاد رفتم. وی سراینده قصیده‌هایی در مدح امام علی بود که آن‌ها را برای زائران ایشان می‌خواند. با تشویق او تصمیم گرفتم

۲ بهشت	◄ شماره ۸
فرهنگی	◄ شماره مسلسل ۱۴۷۸
	◄ نیمه دوم تیر ۱۳۹۳
	پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

جرج جرداق:

جهان عربی و اسلامی شخصیت علی(ع) را محدود کرده است

ادامه از صفحه اول

سوال خوبی کردید. وقتی از مدرسه فارغ‌التحصیل شده بودم و به نوشتن در روزنامه های عربی در دانشکده‌های بیروت می پرداختم. در همان دوران نوجوانی پس از تشویق برادرم پی بردم که ادبیات امام علی (ع) در این کتاب برای عمیق شدن در دو موضوع یکی ادبیات عربی و دیگری در فلسفه عربی کمک خواهد کرد.اول با این نظر شروع به مطالعه نهج البلاغه کردم. پس از سال ها مطالعه، دانش من درباره امام علی افزایش یافت اما بعدها دوست داشتم دانش و معلوماتم را با توجه به این‌که در حال تدریس این دو موضوع در دانشکده بود، افزایش دهم. پس دنبال مطالبی که درباره امام علی نوشته شده بود و خصوصاً کتاب‌های نویسندگان معاصر مثل العقاد، التحسین و دیگران گشتم. بسیار مطالعه کردم و هرچه بیشتر مطالعه می کردم بیشتر پی می بردم که این مرد بزرگوار در جهان مظلوم است و لازم است که امام علی با آثاری متفاوت و ادبیاتی جهان شمول به جهان معرفی شود.

بسیاری از کسانی که در مورد ایشان صحبت کرده بودند درباره مسائل تاریخی ایشان سخن گفته بودند. مثل اینکه آیا خلافت و ولایت حق او بود یا خیر، چه کسی موافق و چه کسی مخالف او بود و سایر مسائل این‌چنینی. به نظر من این مسائل چیزی نیست که فرزندان قرن جدید و حتی شیعیان این زمان به دنبال آن باشند. بلکه مسائلی فراتر از این موضوع مطرح است.

امام علی بزرگ‌تر از چارچوب تاریخی است که او را در آن محدود کرده‌اند. من فکر می کنم اگر روشنفکران و نویسندگان جهان فقط با یک کتاب نهج البلاغه آشنا شوند و مفاهیم آن را درک کنند، آثار جهانی بزرگی درباره او خلق خواهند کرد. اما جهان عربی و اسلامی شخصیت او را محدود کرده است.

جهان عربی و اسلامی شخصیت امام علی را محدود کرده است

همایش « فضیلت های فراموش نشدنی در اخلاق نیکوکاری ایران» به منظور جمع آوری کمک های مردمی برای ساخت و تکمیل بیمارستان و مرکز تحقیقات علوم مغز و اعصاب ایران با حضور سید حسن قاضی زاده هاشمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، محمد باقر قالیباف شهردار تهران و جمعی از خبرین و نیکوکاران در سالن همایش های برج میلاد برگزار شد.

در این مراسم یکی از خیرین حاضر در همایش به تنهایی ۵ میلیون یورو برای ساخت و تکمیل مرکز تحقیقات علوم مغز و اعصاب ایران تعهد کرد.

علاوه بر کمک های خیرین ؛ بانک های صنعت ، معدن و تجارت نیز مبلغ ۸۵ میلیون یورو، برای تکمیل این طرح جهانی اختصاص دادند.

همچنین به همت برخی خیران کشور و یک بانوی خیرآلمانی، تابلوهای نفیس ایرانی با هدف جمع آوری کمکهای نقدی برای ساخت و تکمیل مرکز یاد شده، توسط خیرین خریداری شد.

ساخت مرکز تحقیقات علوم مغز و اعصاب ایران به همت پروفسور مجید سمیعی نخستین جراح میکروسکپی مغز و مبدع جراحی قاعده جمجمه در جهان ِدر حال پیگیری است ،عملیات اجرایی این مرکز با هدف توانمند سازی منابع انسانی ، انتقال دانش و تکنولوژی روزآمد به داخل کشور و ایجاد بستر فعالیت پایدار بین المللی دانشمندان جوان کشور در حوزه علوم پزشکی در اردیبهشت سال ۸۹ آغاز شد.

در حال حاضر بخشی از این طرح با زیربنای ۷۹ هزار و ۶۷۰ متر مربع و ۱۴ اتاق عمل بسیار پیشرفته جراحی

جام جم آن لاین:سال‌ها پیش گنبد آرامگاه هشتمین امام معصوم(ع) از منطقه «تهه سلام» مشهد در خارج از شهر، براحتی قابل مشاهده بود و چشم و دل زائران را روشن می کرد، طوری که خیلی زود زمزمه ثبت جهانی این اثر معنوی ورد زبان‌ها شد، اما با گذر زمان، برج‌ها و آسمان خراش‌ها خط آسمان حرم را شکستند و امروز با هزار زحمت می‌توان از میان برج‌ها و ساختمان‌های مرتفع، نگین درخشان گنبد رضوی را نظاره کرد که در چنین شرایطی آرزوی ثبت جهانی حرم رضوی محال و غیرممکن است.

یکی از کارشناسان حوزه شهرسازی دراین باره به مهر می گوید: اکنون سرعت صدور مجوز برای ساخت برج های تجاری آن قدر بالاست که گمان می کنیم در قلب شهری اقتصادی با رویکرد درآمدزایی ایستاده ایم، در حالی که مشهد، پایتخت معنوی ایران و دومین کلانشهر مذهبی جهان است.

ابراهیم تکلو با بیان این که این شهر هویت خود را از دست داده و بسیاری از زائران با ورود به این شهر، از بی هویتی و آشفتگی در شهرسازی و ساخت بناهای آن گلایه مند هستند، می افزاید: اکنون دغدغه ای برای حفظ بافت تاریخی حرم رضوی وجود ندارد، زیرا برج و باروهای بی قواره، بدون هیچ ضابطه ای، چهره گنبد رضوی را پوشانده و مانع ثبت جهانی این میراث معنوی شده اند.

وی یادآور می شود: تا چند سال قبل از هر جهت که می ایستادیم، می توانستیم حرم رضوی را مشاهده کنیم، در حالی که اکنون از خیابان های اطراف حرم هم به زحمت می توانیم بارگاه رضوی را نظاره کنیم و دلیل این امر وجود ساخت و سازهای بی رویه و بی قواره است.

امیدی به ثبت جهانی حرم رضوی نیست

یکی دیگر از کارشناسان معماری ایرانی اسلامی با اشاره به این که حرم رضوی سال هاست که در محاصره برج ها و ساختمان های مرتفع قرار دارد و با این وضع امیدی برای ثبت این میراث معنوی در فهرست آثار یونسکو باقی نمی ماند، می گوید: امروزه وضع معماری شهر مشهد به قدری آشفته است که با ورود به آن گمان نمی کنیم که وارد دومین کلانشهر مذهبی جهان شده ایم، در حالی که این شهر مذهبی نباید دچار ضعف و آشفتگی در معماری باشد و از سویی دیگر حرم رضوی به عنوان مکانی مقدس و معنوی نباید در دل این شهر و در محاصره آسمانخراش ها ناپدید شود، زیرا با این

برج‌هایی که بارگاه توس را از ثبت جهانی محروم کرده‌اند

جهانی را دارد، اما این اقدام زمانبر بوده و باتوجه به وجود ساختمان های مرتفع این کار سخت و دشوار است.

به گفته این مسئول ساخت و سازهای بی رویه و غیراصولی اطراف حرم که مغایر با شرایط و ضوابط یونسکو برای ثبت جهانی است، مانع بزرگ تحقق این امر است.

توسعه دلیل رشد مجتمع های تجاری

عباس زاده با بیان این که طرح توسعه اطراف حرم به منابع مالی هنگفتی نیاز داشت و به همین دلیل شهرداری هم برای تامین این منابع مالی ناچار به احداث مجتمع های مسکونی تجاری در اطراف حرم شد، می گوید: طرح توسعه و بهسازی اطراف حرم از حدود ۲۰ سال پیش آغاز شد و اولویت نخست در این مقوله، تسهیل امور زائران بود و به مسائل دیگر توجهی نشد، بنابراین شهرداری با احداث مجتمع های تجاری، بودجه مورد نیاز برای توسعه حریم را تامین کرد و این موضوع موجب ساخت بناهای مرتفع و تخریب بناهای تاریخی و معنوی شد.

وی تاکید می کند: برخی از اشتباهات در نحوه ساخت و سازها و بلندمرتبه سازی هیچ گاه قابل جبران نیست. به عنوان نمونه در سال ۴۵ تمام وسعت این شهر پایین تر از حرم قرار داشت، اما اکنون ساختمان ها بلندتر از حرم رضوی است.

به گفته معاون میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی طرح توسعه اطراف حرم از طرحی تفصیلی پیروی می کند، اما این طرح بدرستی انجام نشده، طوری که هتل های اطراف حرم بدون زیبایی های معماری ایرانی –اسلامی و بسیار زشت و بی قواره ساخته شده است و در چنین شرایطی از بین بردن ساختمان های مرتفعی که در دل این شهر ساخته شده، کار ساده ای نیست، بنابراین نمی توان به ثبت جهانی این اثر امیدوار بود.

ابراهیم اسدی بشلی، رئیس انجمن توسعه صنعت گردشگری مجمع متخصصین ایران نیز با بیان این که سازمان ملل متحد از قرار گرفتن آرامگاه امام هشتم(ع) در فهرست میراث جهانی یونسکو حمایت می کند، تاکید می کند: این اثر باید در فهرست میراث جهانی قرار گرفته و از سوی جامعه جهانی تحت مراقبت قرار گیرد، بنابراین از قرار گرفتن این اثر در فهرست میراث جهانی حمایت می کنیم تا این امر در سریع ترین زمان ممکن محقق شود.

وضع بارگاه شهید توس هرگز در فهرست آثار جهانی ثبت نخواهد شد.

حمید کاکایی می افزاید: مشهد شهری مذهبی است که باید در زمینه الگوی ساخت و ساز ایرانی اسلامی پیشرو باشد، حال آن که این گونه نیست و هر روز با عبور از خیابان های منتهی به حرم رضوی، بیش از بیش شاهد درهم ریختگی در معماری و بلندمرتبه سازی بی قاعده و بی قواره ای هستیم که هیچ شباهتی به سبک معماری اسلامی ندارد.

برخورد جدی شورای شهر با بلندمرتبه سازی
یک عضو شورای شهر مشهد نیز با انتقاد از بلندمرتبه سازی در پیرامون حرم رضوی می گوید: شورای شهر با بلندمرتبه سازی در پایتخت معنوی برخورد جدی می کند و برای اجرای طرح معماری اسلامی ایرانی از این پس از صدور مجوز برای احداث ساختمان های بلند مرتبه در اطراف حرم ممانعت به عمل خواهد آورد.

فاطمه غیور با بیان این که بلندمرتبه سازی بی قاعده، ضعیفی بزرگ در معماری اطراف حرم مطهر محسوب می شود، می افزاید: برخی کارشناسان اعتقاد دارند تا یک کیلومتر اطراف حرم از هر طرف باید تسطیح شود، اما باید در نظر داشت که آزادسازی این حریم بودجه ای هنگفت می طلبد.

معاون میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی نیز با تاکید براین که حرم رضوی به لحاظ معماری و قدمت، ظرفیت ثبت در فهرست میراث جهانی را دارد، می گوید: اما با توجه به این که شان امام رضاع) اجل از این مسائل است، هیچ گاه به این مساله به صورت جدی پرداخته نشده است و اکنون نیز به دلیل وجود ساختمان های مرتفع، ثبت جهانی این اثر معنوی امکان پذیر نیست.

حسین عباس زاده یادآور می شود: بنای اصلی و گنبد حرم رضوی و چند مجموعه اطراف آن، شامل مسجد گوهرشاد و چند مدرسه، ۸۰ سال پیش به ثبت ملی رسیده و بنای اصلی حرم نیز متعلق به قرن چهارم هجری بوده و تزئینات و طلاکاری گنبد و بنا مربوط به دوره صفوی است.

وی تاکید می کند: حرم رضوی دارای ارزش بالای معماری و تاریخی فرهنگی است و به عنوان یک مجموعه معنوی زیارتی که سالانه میلیون ها زائر را به سوی خود جذب می کند، قابلیت ثبت در فهرست آثار

تعهد ۱۲۰ میلیارد تومانی خیرین

مرکز وابسته به شخص خاص یا دولت باشد و زمانی که اعلام شد خیرین آماده هستند برای ساخت چنین مرکزی مشارکت کنند گفتم که حاضر نیستم زمین این بیمارستان متعلق به شهرداری باشد.

پرفسور سمیعی گفت: معتقدم کسانی که در این بیمارستان کار می کنند باید درباره آن تصمیم بگیرند و نباید شهرداری یا دولت در اتفاقات و عملکرد مرکز تاثیرگذار باشند.

چهره ماندگار پزشکی ایران افزود: از زمانی که کار ساخت مرکز شروع شده، حداقل دو روز در هفته مشغول ساخت آن هستم.

پرفسور سمیعی با بیان اینکه علاوه بر ساختمان و تجهیزات خوب، نیروی انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است گفت: در همین ارتباط با کمک خیرین چند از جوانان ایرانی که در رشته مغز و اعصاب تحصیل می کردند، انتخاب کردم و برای گذراندن دوره دکتری به آلمان بردم.

وی آموزش این جوانان ایرانی را یکی از بزرگترین افتخارات زندگی خود عنوان کرد و افزود: این جوانان به قدری با ادب و باهوش هستند که سریع مسایل را درک می کنند و به زبان انگلیسی تسلط کامل دارند.

این جراح شناخته شده مغز و اعصاب با تاکید بر اینکه ایرانی ها از نظر ضریب هوشی در جهان بی نظیر هستند گفت: به عنوان دبیر فدراسیون جهانی مغز و اعصاب به همه کشورهای جهان سفر کرده ام و حداقل در سال دو مرتبه به تمامی کشورهای جهان سفر می کنم و می توانم به جرات بگویم ایرانیان از نظر ضریب هوشی در

جهان بی نظیر هستند.

پرفسور سمیعی اظهار داشت: فقیرترین پدر و مادر ایرانی آرزو دارند پولی بدست بیاورند تا فرزندشان تحصیل کند و تمامی نیروی خود را برای تربیت و تحصیل فرزندشان بکار می گیرند.

وی تاکید کرد: باید سعی کنیم علم و دانش را در کشور خود به حدی برسانیم تا تمامی نیازهایی که انسان امروز نیاز دارد بتوانیم با دستان خودمان انجام دهیم.

اولین جراح میکروسکیی مغز در جهان گفت: گاهی اوفات تاسف می خورم یک ایرانی که در دانشگاه های اروپا یا آمریکا تحصیل کرده وقتی به کشور باز می گردد افتخارش تحصیل در دانشگاه های آنجاست.

پرفسور سمیعی ادامه داد: آروز دارم با ساخت بیمارستان و مرکز تحقیقات علوم مغز و اعصاب ایران، اروپایی ها و آمریکایی ها اگر بخواهند در سطح بسیار بالایی از علوم مغز و اعصاب در حوزه آموزش، تحقیقات و درمان الگویی بدست بیاورند به ایران بیایند.

وی توضیح داد: می خواهم قبل از اینکه از دنیا بروم این مرکز ساخته شود تا ایرانیان از اینکه چنین مرکزی در کشور وجود دارد به خود افتخار کنند.

مبدع جراحی قاعده جمجمه در جهان با بیان اینکه مجید سمیعی در هیچ کار تجارتری در هیچ جای دنیا سهیم نیست گفت: اگر جایی پیدا کردید که من در کار تجارتی شراکت دارم، بیان کنید.

پرفسور سمیعی اضافه کرد: در هیچ کار سیاسی در ایران یا آلمان سهیم نیستم و اگر کسی بخواهد من را به سیاست وصل کند، دشمن ایران و ملت ایران است.

انفعال جهان در برابر جنایات رژیم صهیونیستی

استاد خسروشاهی: رییس پیشین نمایندگی ایران در مصر، طی یادداشتی در روزنامه شرق به انفعال جهان در برابر جنایات اسرائیل در غزه، پرداخته و نوشته است: سکوت سازمان‌های جهانی پیرامون حملات خونین رژیم اسرائیل به باریکه غزه، بار دیگر این نکته را به اثبات رساند که جز گزینه «مقاومت» نمی‌توان گزینه‌های دیگر را چندان جدی گرفت و به تلاش‌های دیپلماتیک برای حل مساله فلسطین امیدوار بود. در شرایطی که آحاد امت اسلامی روزهدار است، مردم روزهدار فلسطین زیر بمباران هواپیماها و در معرض اصابت موشک‌های اسرائیلی قرار دارند. این روزها به نظر می‌رسد معیارهای دوگانه «حقوق بشر»، به روشن‌ترین وجه خود را نشان می‌دهد. وقتی ایالات‌متحده از بیان حمایت خود از حمله زمینی صهیونیست‌ها به غزه، هیچ ابایی ندارد و «ارتجاع عرب» با خوشحالی نظاره‌گر این تراژدی و البته اتفاقات تکان‌دهنده خاورمیانه در عراق و سوریه است، نمی‌توان امیدی به دخالت نهادهای بین‌المللی در این‌باره داشت. برخی کشورهای منطقه که پول فروش نفت خاورمیانه را صرف تاسیس و تجهیز تکفیری‌ها و سلفی‌ها می‌کنند، در انتظار از میان‌رفتن «مقاومت» هستند. نگارنده فراموش نمی‌کند در جریان جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و رژیم اسرائیل، حسنی مبارک جمله‌ای تاریخی خطاب به اسرائیل بیان کرد که «نیمی از راه را آمده‌اید و نیم دیگر را هم ادامه دهید.» در شرایطی که طبق وظیفه ذاتی شورای امنیت سازمان ملل، این نهاد باید در اینگونه موارد با تشکیل جلسه فوری، به آتش‌بس و رسیدگی به حال آسیب‌دیدگان و غیرنظامیان بپردازد، انفعال کشورهای عرب و البته اعضای دایم و غیردایم این شورا سبب شده تا رژیم اسرائیل با آسودگی به ادامه حملات خود بپردازد. زیرسوال‌رفتن «استقلال» اینگونه نهادها که داعیه بین‌المللی‌بودن دارند، از پیامدهای وضعیت موجود است. تصاویر کودکان غزه در کنار جنایات تکفیری‌ها در عراق و سوریه در حق زنان و کودکان، تصویر امروز منطقه ماست. به یاد دارم «حافظ اسد» رییس‌جمهور سابق سوریه در زمان مسوولیت خود، گفت‌وگویی با مجله «اشپیگل» چاپ آلمان داشت. وی در پاسخ به سوال خبرنگار آلمانی که از وی می‌خواست مانع مقاومت حزب‌الله در جنوب لبنان شود پاسخ داده بود که «متأسفانه سن من اجازه نمی‌دهد اگر نه اکنون باید در کنار رزمندگان مقاومت، علیه اشغالگری اسرائیل می‌جنگیدم.» به نظر می‌رسد تنها زبانی که اسرائیل و حامیان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آن می‌فهمند، زبان اسلحه باشد. با توجه به شرایط موجود، احتمال حمله زمینی به باریکه غزه را نیز نباید از نظر دور داشت. توافق فتح و حماس برای تشکیل دولت وحدت ملی در فلسطین نیز تازه در آغاز راه است و شرایط باثباتی نیافته تا به‌واسطه آن بتوان به ایجاد «بازدارندگی» خوشبین بود. تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از معدود کشورهای مستقل جهان که با مواضع مسوولان نظام، نامه ریاست‌جمهور به سران کشورهای اسلامی و در قالب نامه‌های وزیرخارجه کشورمان به نهادهای بین‌المللی در جریان است، امری لازم و مانع است. البته از این اقدامات می‌توان برای ابعاد دیپلماسی عمومی، ایجاد همبستگی در میان همه ملل جهان که مخالف کشتار بیگناهان و نسل‌کشی اسرائیل در فلسطین اشغالی هستند و ایجاد فضای رسانه‌ای برای وادارکردن طرف‌های غربی برای جلوگیری از حمله صهیونیست‌ها بهره برد. به باور نگارنده، تلاش برای فعال‌سازی سازمان همکاری‌های اسلامی به دلیل نبود همدلی میان سران آن در این زمینه، احتمالا نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت و سازمان‌های عرب نیز، همچنان یک نظاره‌گر بی‌عمل باقی خواهند ماند.

جایگاه سیاسی حوثی‌ها در معادلات داخلی یمن

شده است.

نقش عربستان در برافروختن شعله‌های درگیری در یمن

عربستان سعودی که در انحراف انقلاب مردم یمن علیه رژیم عبدالله صالح بازیگری اصلی بود، در روی کار آمدن منصور هادی نیز که سیاست‌های وی مورد اعتراض حوثی‌هاست، نقش اصلی را ایفا کرد. آل سعود با آگاهی از اینکه منصور هادی بقای خود در قدرت را منوط به حمایت عربستان می‌داند، بدون کمترین مشکلی در امور داخلی یمن مداخله می‌کند چنانکه در درگیری‌های اخیر میان جنبش شیعی الحوثی و شبه نظامیان تکفیری وابسته به دولت رد پای آن به وضوح دیده می‌شود. چرا که عربستان با حوثی‌های یمن، اختلاف بینشی و ایدئولوژیک شدیدی دارد و به همین دلیل نیز طی یک دهه اخیر هزاران وهابی را به مناطق شمالی یمن فرستاده است تا ترکیب جمعیتی این مناطق به ضرر حوثی‌ها تغییر کند. آل سعود اکنون نیز با هدایت گروه‌های تکفیری یمن، آن‌ها را به سمت نقض مکرر آتش‌بس سوق می‌دهد تا جایگاه حوثی‌های یمن را تضعیف کند. مهم است گفته شود که رسانه‌ها چند ماه پیش اعلام کرده بودند که یکی از شیوخ منطقه مرزی یمن اعلام کرد که عربستان تعدادی از شیوخ یمنی را فراخوانده و به آن‌ها وعده پول و سلاح داده تا جبهه جنگی جدیدی علیه حوثی‌ها در مناطق مرزی یمن و عربستان بویژه منطقه غمر، رازخ، منبه، باقم و سایر مناطق باز کنند.

جمع بندی نهایی

جنبش الحوثی، بزرگترین جنبش سیاسی شیعی یمن در حالی به پیشروی‌های خود در مبارزه با شبه نظامیان تکفیری وابسته به دولت ادامه می‌دهد که اخبار منتشر شده حاکی از رسیدن آن به دروازه‌های صنعا، پایتخت یمن است. این جنبش هم اکنون کنترل مناطق شمالی یمن در همسایگی عربستان سعودی را در دست داشته و در عین حال توانسته قبیله الاحمر، یکی از بزرگترین و پرنفوذترین قبایل یمن را نیز به زانو در آورد. مسأله ای که نه تنها باعث نگرانی دولت یمن بلکه بزرگترین همسایه آن یعنی عربستان را نیز بیش از پیش نگران کرده است. این در حالی است که دولت یمن به تازگی کشور اتحادیه ای را متشکل از شش ایالت اعلام کرده که این مسأله خود به تنهایی چالش تازه ای را برای این کشور ایجاد کرده است. چرا که در این تقسیم بندی خواسته های بسیاری از قبایل و مدعیان سیاسی از جمله الحوثی‌ها نادیده گرفته شده است. حال با این وجود سرنوشتی که در انتظار یمن است، چگونه ترسیم شدنی است؟ لذا باید منتظر بود و دید که تحولات داخلی یمن در روزهای آینده به کجا منتهی خواهد شد.

جنگ آل خلیفه بادین و اعتقادات بحرینی‌ها

به گزارش العالم، وزارت دادگستری بحرین، اعلام کرد: دادگاه اجرایی وابسته به دادگاه تجدید نظر بحرین، حکم منحل کردن شورای اسلامی علما را تایید کرد و مقر این شورا باید تعطیل شود. جمعیت وفاق اسلامی بحرین، این اقدام رژیم حاکم را به منزله بالاترین حد از استبداد دانست که پا را از حد و مرزها فراتر نهاده و در مخالفت با شیعیان بحرین، به جنگ دین و اعتقادات مردم و حتی در زمینه فریضه دعا برخاسته است.

این جمعیت تاکید کرد: چنین عملکردی، نشان می‌دهد که رژیم حاکم، ساده ترین اصول منطقی را نیز از دست داده و به این ترتیب، فاقد هرگونه حق حکومت داری در بحرین است.

جمعیت وفاق بحرین خاطر نشان کرد: هرگاه رژیم حاکم به اقدامات خود، رویکردی طایفه‌ای و گروهی می‌بخشد و به مبارزه با شیعیان کشور می‌پردازد، بیش از پیش، نقاب از چهره واقعی خود بر می‌اندازد. این رژیم هرچند سعی می‌کند اقدامات خود را در مجلس به تصویب برساند و به آن‌ها وجهه قانونی ببخشد، اما مردم دیگر

فریب آن را نمی‌خورند و به دنبال نجات کشور از جنگ این رژیم هستند. جمعیت وفاق، منحل کردن شورای اسلامی علمای بحرین را ادامه اقدامات ضد دینی رژیم حاکم در زمینه منهدم کردن ۳۸ مسجد و تعرض به ده ها مسجد و حسینیه دانست و کوچاندن شیخ حسین نجاتی پس از ابطال شناسنامه اش را نمونه بارز این رویکرد طایفه ای رژیم برشمرد.

جمعیت وفاق گفت: رژیم حاکم بحرین در حال اداره جنگ با اکثریت شیعیان بحرینی است، اکثریتی که خواهان بازپس گیری حق قانونی مشارکت در اداره کشور بر اساس قانون اساسی است.

های کنونی در یمن که از چندی پیش آغاز شده است با شش دور جنگی که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ رخ داد متفاوت است. آنچه اکنون در مناطق شمالی یمن در جریان است، درگیری حوثی‌ها با گروه‌های تکفیری و سلفی است که تحت حمایت دولت مرکزی صنعا قرار دارند. این درگیری‌ها که عربستان، القاعده و آمریکا نیز بصورت متحد با حکومت یمن، بر ضد شیعیان عمل می‌کنند، هم اکنون به مرحله پیچیده‌ای رسیده است. چرا که اشتباهات صنعا در مدیریت بحران‌ها و نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی در استان‌های جنوبی یمن سبب همدردی و همبستگی مردم یمن - چه سنی و چه شیعی - با جنبش حوثی‌ها شده است.

اما در خصوص وزن و جایگاه سیاسی جنبش الحوثی در یمن باید گفت که آن‌ها بخشی از ترکیب جمعیتی و بخشی از ترکیب سیاسی یمن هستند و مشارکت جدی در پیروزی انقلاب این کشور در سال ۲۰۱۱ داشتند. در تمامی تحولات و مکانیسم‌های سیاسی هم که از زمان سرنگونی علی عبدالله صالح در فوریه ۲۰۱۲ در یمن شکل گرفته و تاکنون هم ادامه دارد، حوثی‌ها به عنوان بخشی از ترکیب سیاسی یمن حضور فعال داشته و دارند. از جمله در گفتگوهای ملی که از مارس ۲۰۱۳ تا ژانویه ۲۰۱۴ در یمن در جریان بود، و همچنین در کمیته تدوین قانون اساسی این کشور حوثی‌ها فعالانه شرکت داشتند. لذا نباید تصور کرد که آن‌ها به دنبال تخریب توافق‌های سیاسی در یمن هستند. علاوه بر اینها حوثی‌ها نقش بسیار مثبتی در گفتگوهای ملی داشته و البته در نوشتن و تبیین قانون اساسی این کشور هم بسیار فعال بودند و به تبیین قانون اساسی مترقی و جامع در یمن پس از علی عبدالله صالح کمک شایانی کرده اند.

اما حوثی‌ها مدتی است که در منطقه شمال یمن، بخصوص در استان‌های صعده و عمران درگیری‌هایی را با افراتیون و تکفیری‌ها داشته اند. هدف آن‌ها محافظت از محیط جغرافیایی خود در برابر افراتیونی است که به کشورهای همسایه یمن از جمله عربستان وابسته اند و می‌خواهند حوثی‌ها را از نقشه سیاسی یمن حذف کنند، بویژه که در حال حاضر نیروهای سیاسی در صنعا سرگرم چانه زنی بر سر دو موضوع اساسی یعنی قانون اساسی و تقسیمات فدرالی هستند. در همین راستا، در بخشی از درگیری‌هایی که در شمال یمن اتفاق افتاده است درگیری میان قبیله حوثی‌ها و بخشی از قبیله حاشد است که قبیله رئیس جمهور سابق یمن است. در واقع جناحی در داخل قبیله حاشد بخصوص خاندان الاحمر به دنبال تحمیل وزن سیاسی خود به ساختار کلی یمن و حذف حوثی‌ها از معادلات داخلی این کشور هستند که همین مسائل در کنار مسائلی دیگر که در بالا به آن‌ها اشاره شد، موجب درگیری‌هایی

قبل از هر چیز باید اشاره داشت که جنس درگیری‌های کنونی در یمن که از چندی پیش آغاز شده است با شش دور جنگی که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ رخ داد متفاوت است. آنچه اکنون در مناطق شمالی یمن در جریان است، درگیری حوثی‌ها با گروه‌های تکفیری و سلفی است.

طی روزهای گذشته یمن جنوبی ترین و بزرگترین همسایه عربستان سعودی شاهد درگیری‌های شدیدی میان جنبش الحوثی (بزرگترین جنبش سیاسی این کشور) و شبه نظامیان تکفیری که از حمایت واحدهای ملی ارتش برخوردار هستند، بوده است. این درگیری‌ها که اخیراً بدنبال نقض آتش‌بس آغاز شد و بیش از ۴۰۰ تن کشته و صدها تن دیگر مجروح شده اند. همچنین ده‌ها هزار یمنی در پی شدت گرفتن این درگیری‌ها از شهر عمران به صنعا پایتخت یمن مهاجرت کرده اند، ضمن این که جنگنده های ارتش یمن نیز پایگاه شیعیان الحوثی در استان های عمران و الجوف واقع در شمال صنعا را هدف قرار داده اند که به کشته شدن صدها تن منجر شده است.

الحوثی و مبارزه بر علیه تبعیض و نژادپرستی

الحوثی یک گروه مبارز و جنبش سیاسی در شمال یمن در استان صعده هستند و به این دلیل «الحوثی» خوانده می‌شوند که نخستین رهبر آن‌ها، حسین بدرالدین الحوثی بود که در سال ۲۰۰۴ توسط نیروهای ارتش یمن به شهادت رسید. حسین بدرالدین الحوثی فرزند علامه شیخ «بدرالدین الحوثی» از مشایخ بزرگ مذهب زیدیه یمن بود. پس از شهادت حسین الحوثی برادر وی عبدالملک الحوثی رهبری جنبش الحوثی را برعهده گرفت. وی که سخنوری خیره و مدبری باتجربه و متفکر است تاکنون با بهره گیری از نفوذ مذهبی پدرش بدرالدین الحوثی که بین زیدی‌ها محبوبیت زیاد دارد توانسته بسیاری از فعالیت‌های جنبش را به خوبی رهبری کند.

جنبش الحوثی همواره از سوی صنعا تحت فشار بوده است. زیرا حوثی‌ها سال هاست که صنعا را به تبعیض سیاسی، اقتصادی و مذهبی علیه جامعه شیعیان این کشور و نقض حقوق مدنی آن‌ها متهم می‌کنند. صنعا نیز برای خاموش کردن این گروه و از بین بردن آن، در دوره ریاست جمهوری علی عبدالله صالح و با همکاری تنگاتنگ عربستان، شش نبرد خونین علیه حوثی‌ها به راه انداخت که طی آن صدها نفر کشته و هزاران زخمی شدند اما صدای این گروه خاموش نشد.

وزن سیاسی جنبش الحوثی در معادلات داخلی یمن

قبل از هر چیز باید اشاره داشت که جنس درگیری

سید حسن نصرالله یک قهرمان است

پژوهشگر عربستانی دبیرکل حزب الله لبنان را یکی از قهرمانان عرب توصیف کرد و گفت، «سید حسن نصرالله» قهرمانی ملی، عربی و اسلامی و یک مجاهد و مبارز است.

به گزارش پایگاه خبری العالم، «حسن فرحان المالکی» در اظهاراتی تأکید کرد: نمی‌توان حزب الله را با داعش یا جبهه النصره مقایسه کرد زیرا نیروهای حزب الله تنها با نظامیان می‌جنگند، و منش حزب الله موجب شده تا رفتاری متفاوت با داعش و النصره و گروه موسوم به ارتش آزاد در سوریه داشته باشد.

روزنامه اینترنتی «سبق» که در عربستان منتشر می‌شود، درباره این پژوهشگر نوشت: المالکی کسانی را که او را شیعه معرفی می‌کنند ناصبی‌های پنهان می‌داند؛ او خود را مردی پژوهشگر، پرسشگر و متواضع می‌داند، که آماده است تا در خانه‌اش را به روی هرکسی که به دنبال آموختن است، بگشاید؛ او می‌گوید که ناصبی‌ها در بین جریان سلفی نفوذ کرده‌اند و هر کس که او را شیعه می‌داند ناصبی است.

المالکی با تمجید از علمای شیعه گفت: آنها متواضع و شنوا و دارای دیدگاهی بلند هستند، و بر خلاف علمای فرقه زیدیه و صوفیه و اباضیه، با عموم مردم پیوند دارند.

وی درباره درخواست مفتی عربستان «عبدالعزیز آل الشیخ» از او برای توبه کردن، اظهار داشت: این درخواست از سوی من بود هنگامی که در سال ۱۴۲۳ همراه با کتابها و متن سخنرانی‌هایم به دفتر مفتی رفتم، زیرا تصویری تحریف شده ایجاد شده بود.

المالکی افزود: من با کمال آرامش به او گفتم اینها میراث من است آنها را مطالعه کنید و اشتباهاتش را به من بگوئید. ولی مفتی جواب منفی داد و گفت، به درگاه خدا توبه کن از هر چیزی توبه کن، یعنی هر چه نوشته ای باطل است؛ اما من پاسخی دریافت نکردم و خودم خواستم که من را به دادگاه شرعی بفرستند و این اشتباه بزرگی از سوی من بود. مفتی با این درخواست من موافقت نکرد و دیدار من با مفتی بی نتیجه ماند؛ با درخواست مباحله من نیز مخالفت کردند.

اشاره : به میزان تأثیرگذاری سید جمال الدین اسدآبادی در سطح داخل و خارج، برای او حرف و حدیث هایی وجود دارد، در زمان خود دشمنان فراوانی داشت و امروز هم مخالفان متفاوتی دارد. در بین آنان، برخی عالمانه و گروهی هتاکانه، سید را نقد و تخطئه کردند. ما نیز سؤالات و ابهامات پیرامون سید را به استاد سید هادی خسروشاهی ارائه دادیم تا او با اتکا به اسناد و مدارک و تحقیقات گسترده ای که درباره سید جمال داشته، پاسخ دهد و رفع ابهام کند، چرا که استاد خسروشاهی آن چنان که خود می گوید از نیم قرن پیش، همیشه و در همه جا و در هر کشوری که رفته، به دنبال شناخت و شناسایی سید جمال الدین حسینی اسدآبادی بوده که یکی از نتایج این تلاش و کوشش های پیگیر و خستگی ناپذیر، آماده سازی مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی است که نخست در رقم و در ۷ جلد و سپس تکمیل شده آن در قاهره و در ۹ جلد و ۳۵۰۰ صفحه منتشر گردید. ماهنامه نسیم بیداری - شماره ۴۹

شما در جمع آوری اسناد سید جمال الدین حسینی اسدآبادی در وزارت امور خارجه ایران، به چه نکات جدیدی درباره سید جمال الدین در خصوص شائبه هائی مانند فراماسونر بودن، جدائی طلب بودن و ارتباط وی با روسیه و انگلستان و... رسیدید؟

در بررسی کامل اسناد وزارت خارجه ایران و انگلیس که مجموعه آنها در دو مجلد چاپ شده است، من هیچ مدرک و سند یا حتی گزارشی - درباره ارتباط سید با فراماسونری، ندیده ام و افسانه جدائی طلب! بودن سید هم برای نخستین بار است که در سؤال شما مطرح شده است؟ «جدائی طلب بودن» از کجا؟ و برای چی؟ و... به نظر می رسد که این «نکته جدید» را باید افسانه ای موهوم نامید.

اما درباره ارتباط سید با روسیه و انگلستان، باید گفت که سید جمال الدین حسینی، علاوه بر روسیه و انگلیس، با فرانسه، هند، مصر، افغانستان، سودان، ترکیه و... هم روابطی در راستای اهداف عالیه خود برقرار کرده بود و به نظرم اصولاً باید بپذیریم که یک شخصیت جهانی مانند سید جمال الدین، بدون ارتباط با دولت ها، نمی توانست فعال باشد و تحقق اهداف خود را پی گیری کند.

البته ارتباط با دولت ها و یا سلاطین و رجال بلاد، هرگز مفهوم مصطلح عامیانه آن را ندارد، یعنی سید جمال الدین، «عامل» و «مأمور» و عضو! وابسته به هیچکدام از دولت ها و رجال و سلاطین عصر خود نبود، بلکه همواره در دیدارها و ملاقات های خود، در فکر تحقق بخشیدن به اهداف خود: طرد استعمار از بلاد عربی - اسلامی، ایجاد وحدت بین مسلمانان، اجرای قانون در بلادی که سلاطین مستبد بر آنها حاکم بودند - مانند: ایران، ترکیه عثمانی، مصر و... و اهداف سیاسی - اجتماعی دیگر بود...

اصولاً ارتباط داشتن با دشمن، برای «دشمن شناسی» یک ضرورت و «مذاکره با دشمنان» هم یک ضرورت دیگر... در جائیکه به تعبیر قرآن مجید، خداوند متعال، با «شیطان» به مذاکره می پردازد، چه اشکالی خواهد داشت که بندگان خدا هم، به خاطر خدا، با «شیاطین کوچک» عصر خود ملاقات و مذاکره کنند؟ ارتباط و مذاکراتی قابل پذیرش نیست که در راستای آرزوها و اهداف «دشمن» باشد.

طیف ارتباطات سید جمال با شخصیت های مختلف گسترده و متنوع است، او از سوئی با چهره های مذهبی و مراجع وقت همچون میرزای شیرازی ارتباط داشت و از سوی دیگر با روشنفکرانی مانند ملکم خان! آیا این رفتار سید جمال را نمی توان «مزورانه» تلقی کرد یا آن را به عدم استقلال فکری و سستی رأی و اندیشه نسبت داد؟

ارتباط سید با شخصیت های مختلف، با افکار و اندیشه های گوناگون و حتی متضاد، همانطور که در

پاسخ پرسش نخستین اشاره شد، نه تنها «مزورانه» نیست بلکه «متهورانه» و کاملاً منطقی است.

دیدار مکرر با میرزای شیرازی و نامه روشنگرانه نوشتن به او و دیگر علمای عراق و نجف و یا ایران، چه منافاتی با دیدار و مذاکره با «دگراندیشان» دارد؟ بی تردید سید جمال الدین همانطور که می کوشید علماء عظام و مراجع را با افشاگری علیه رژیم استبدادی، آگاه سازد، همزمان می خواست از روشنفکران و «دگراندیشان» نیز در راستای استبدادزدائی، استفاده کند. اگر فراموش نکرده باشیم، امام خمینی در پاریس، بارها و به طور مکرر، همهٔ جناح های سیاسی را به وحدت در مبارزه علیه رژیم دعوت می کرد... و حتی فرمود که «مارکسیست ها هم می توانند حرف های خود را بزنند» و این هرگز به مفهوم سستی رأی و اندیشه نیست، بلکه نشان از استقلال و استحکام فکر و اندیشه است. وقتی انسان استقرار فکری دارد، از دیدار و گفتار با دیگران باکی ندارد و بی مناسبت نیست اشاره کنم که شهید بزرگوار آیت الله سید محمدحسین بهشتی نیز با «دگراندیشان» نه تنها ملاقات و مذاکره می کرد، بلکه همانطور که شاهد بودیم حتی در یک مناظره و گفتگوی گروهی با دبیر کل حزب توده و مسئول سازمان فدائیان خلق و دبیر یکی از احزاب وابسته با جبهه ملی، در تلویزیون ایران، شرکت کرد و دوستانه با آنها به مذاکره پرداخت که در واقع با روشن شدن سستی اندیشه ها و استدالات آنها پایان یافت...

حالا آیا می توان گفت که این گونه اقدامات، ناشی از «سستی رأی و اندیشه» است؟ یا کاملاً برعکس؟...
بعضی ها مدعی شده اند که نامه سید جمال الدین به میرزای شیرازی بعد از صدور حکم تحریم تنباکو توسط ایشان بوده و بنابر این نمی توانسته نقشی در این امر داشته باشد؟
این قبیل اظهارنظرها نشان دهنده عدم دقت در اسناد و مصادر باقیمانده در این زمینه است و نوعی غرض ورزی و یا کوتاه اندیشی است.

ما باید توجه داشته باشیم که سید، در آن دوران چندین نامه به مرحوم میرزای شیرازی و علماء عظام عراق نوشته است. در یکی دو نامه نخستین و مشروح، سید به افشاگری علیه رژیم شاه ناصر قجری می پردازد و خیانت های او را در «فروش کشور» - به تعبیر سید - یک یک می شمارد که در یکی از آنها به میرزای شیرازی تحت عنوان «جر الامة، النیابة العظمی، عن الحجة الكبرى» آمده است:

جر الامة و بارقة انوار الائمة، و دعامه عرش الدین و اللسان الناطق عن الشرع العیین، جناب الحاج المیرزا محمدحسن الشیرازی صان الله به حوزه الاسلام و رد کید الزنادقه اللنام» و پس از این عناوین و القاب، ضمن انتقاد شدید از فساد و تباهی رژیم شاهی و اقدامات جنایتکارانه آن در حق مردم و ائتلاف بیت المال و به تعبیر او، «فروش کشور به اجانب» می نویسد:

«علاوه بر این مفاسد که ذکر شد، او قسمت اعظم کشور و منافع آن را به دشمنان دین فروخته است از معادن، راه ها، مهمانسراها در سراسر راه ها، باغ ها و بوستان ها، رود کارون و همهٔ هتل هائی که می توان در اطراف آن ساخت و جاده اهواز تا تهران با متعلقاتی که ممکن است در اطراف آن ساخته شود و تنباکو و همه مراکز توزیع و اماکن کشت و زرع آن و خانه های سرمایه گذاران و کارمندان آن در هر نقطه کشور و اختصاص فروش انگور کشور برای شراب سازی و همه کارخانه های وابسته... و بانک، و ما ادراک مالبانک یعنی بخشیدن زمان امور مردم، به طور کامل به دشمن اسلام و به استثمار و بردگی کشیدن آنان، برای حفظ سلطنت جابرانه خود... این خائن پست فطرت برای اسکات مردم، اعلام کرده است که این قراردادهای موقتی است و بیش از یکصد سال! اعتبار نخواهد داشت...»

و در نامه افشاگرانه دیگری، به تشریح و تبیین بیشتر خیانت های رژیم شاه پلید قاجار می پردازد... و اضافه می کند که «سود و عایدات فروش تنباکو به عثمانی از طریق ایران هم نصیب کمپانی مربوطه خواهد بود»...

کسانی که اهل تاریخ نیستند، در معقولات دخالت نکنند!

بین مسلمین بود و اصولاً برای همین منظور هم دعوت خلیفه را پذیرفت و به اسلامبول رفت و ده ها نامه برای علماء بلاد اسلامی مختلف فرستاد و خواستار وحدت همه مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - شد که در صورت تحقق جنگ ایران و عثمانی هم مفهومی پیدا نمی کرد. سید جمال الدین هرگز در فکر ضمیمه کردن ایران به امپراطوری عثمانی نبوده ولی خواستار وحدت ایران و افغانستان در مقابل دشمن مشترک و استعمار انگلیس بود... شرح این ماجراها در مقالات سید در مجله «العروة الوثقی» یا نشریات دیگر آمده است که من مجموعه آنها را در ۹ جلد در قاهره و در چندین هزار صفحه، منتشر کرده ام که علاقمندان به حقایق و پژوهش و تاریخ نگاری، می توانند به آن مجموعه مراجعه کنند که به طور طبیعی نقل حتی فهرست آن مطالب، در یک مصاحبه کوتاه مقدور نیست.

تأثیر سید جمال در اندیشه های آزادی بخشی منطقه ای چه بود؟ آیا شاگردانی که وی تربیت کرد راه او را ادامه دادند؟ چون برخی معتقدند شیخ محمد عبده که بنام ترین شاگرد سید جمال در مصر بود، شیوه ها و نوع برخوردش در مواجهه با استعمار، کاملاً متفاوت از سید جمال بود.

به تصدیق دوست و دشمن - سید جمال الدین در بیدارسازی ملل مشرق زمین نقش سازنده و مؤثرتری داشت. شهید مطهری او را سرسلسله جنبان نهضت های اسلامی قرن اخیر می داند و استاد سید محمد محیط طباطبائی نقش ارزنده سید را در «بیداری مشرق زمین» برتر و بالاتر از هر کس دیگری می نامد. خیلی مناسب است که نکته ای را از استاد محیط طباطبائی در این رابطه نقل کنم:

«... سید پس از سی سال کوشش، در زندان طلایی عبدالمجید محبوس و معذوم شد، ولی تخم های کشته او در ایران و عثمانی و مصر و هند و افغانستان جوانه زد و ده سال بعد از مرگ او در وطن او ایران نهضت مشروطه آغاز و انجام پذیرفت و چند سال بعد از آن دست پروردگار او در اسلامبول دست به کار شدند و کسانی که در حیات او از عهدهٔ تطبیق نظریات سیاسی او در مصر و هند برنیامدند و مغلوب و منکوب و محبوس شدند، در حزب کنگره هند و حزب وفد مصر بنیان گذار حکومت ملی آزاد گشتند.

سید جمال الدین در تاریخ ایران عامل ظهور تحولی شد و ملت ما را به راهی رهبری کرد که پس از آن در پیچ و خم های آن راه به سوی زندگانی افضل گام بر می دارد و هر روزی انتظار دارد که به صورتی بهتر و حالتی برتر درآید.

من چهرهٔ سید جمال الدین اسدآبادی را برگزیده ام زیرا عکس چهرهٔ او را در قانون اساسی و مطبوعات و فرهنگ جدید و همه تشکیلات اساسی حکومت مشروطه وطن خود می نگرم و عقیده دارم خدمتی که او به ایران کرد، از نظر ارزش بالاتر از خدمتی بوده که نادر اردشیر و یعقوب لیث و شاه اسماعیل به تاریخ ایران کرده اند و در ردیف خدمت هوخستره مادی و آرشاک پرتوی محسوب می شود.

تعجب نفرمایید اگر در پیرامون این اسم ساده، کوس و نقاره و طبل و غلّمی دیده نمی شود و پیرامون عمامهٔ او را هاله ای از نور نگرفته است. ولی حقیقت امر این است: کار سید از کارهایی که پیشرو مادیان و سردار پیر یویان با شمشیر خود در افتتاح فصل جدیدی در تاریخ ایران انجام دادند، مهمتر و از فصول مقدم بر آن، گرامی تر و والاتر و سودمندتر بود.

سید جمال الدین با تیغ زبان و نوک قلم خود زمینه سازی کرد و شالوده اصلی قبول حکومت مشروطه جدید را در ذهن علمای روحانی مملکت فراهم آورد و در روزی که علمای بزرگ تهران و عبتات در صدر نهضت مشروطه قرار گرفته بودند، معلوم شد حُسن ظن و حدس صائب سید جمال الدین دربارهٔ عنصر مشروطه ساز ایران به خطا نرفته بود و از حرکت تمرد تنباکو تا مهاجرت به قم و پشتیبانی علما از مشروطه خواهان در برابر کودتای

این عبارات و نکات نشان می دهد که هنوز حکم تحریم تنباکو - توتون - از طرف میرزای بزرگ صادر نشده بود و گرنه معقول نیست که شخصیتی مانند سید جمال الدین، در نامه خود به میرزا، هنوز از مسئله توتون و تنباکو و قرارداد ننگین «دشمن اسلام» سخن بگوید و با لحن تند، خواستار مبارزه با این چنین رژیمی بشود... پس از نامه های افشاگرانه، در دو نامه دیگر، از جمله نامه «حملة القرآن» ضمن تجلیل از علماء، به مسئله تحریم و اقدام علماء عظام اشاره دارد و از آن تقدیر می کند و می نویسد: «حق را بگویم، شما رهبران با تصمیم خود عظمت اسلام را برگردانید و کلمه اسلام را برتر ساختید و این دشمنان فہمیدند که توان و قدرت شما قابل شکست نیست و زمام امور مردم در اختیار شما است... و اکنون برای آنکه مردم از شر این رژیم رها شوند، راه نجات فقط خلع شاه از سلطنت است. شما شاخ فرعون را با عصای حق شکستید و دماغ او را با شمشیر به خاک مالیدید و او اکنون در فکر انتقام است... و راه رهایی خلع این فرعون پست فطرت از سلطنت است...».

در نامه سوم تحت عنوان: «ضلالة الامة و ضراعة الملّة» می نویسد: «... این فرعون با عجله تمام قراردادهائی را با شرکت های اروپائی بست و کشور را در اختیار آنها قرار داد و اکنون که شکست خورده، برای ارضای جنون خود تصمیم گرفته که شش کرور - میلیون تومان - به کمپانی توتون و تنباکو بپردازد و بقیه را به شرکتی که فروش تنباکو در بلاد عثمانی را به عهده داشت، بپردازد. این چه ننگ شوم است! این ذلت و خواری است؟...»

سید سپس توضیح می دهد که اگر شاه خلع شود، حکومت بعدی ضامن پرداخت این غرامت ها نیست... این نامه ها مشروح است و با مطالعه آنها کاملاً روشن می گردد که بعضی از آن ها قبل از اعلام حکم تحریم تنباکو توسط میرزا و بعضی پس از صدور حکم است. پس دوستانی که مدعی هستند «نامه» سید تأثیری در صدور فتوی نداشت، ظاهراً از مجموعه نامه های سید آگاه نبوده اند و گرنه همچو ادعائی را مطرح نمی ساختند. استاد سید محمد محیط طباطبائی در این رابطه ضمن تحلیل مبسوطی، می نویسد: «... سید مکاتیبی به زبان عربی در لندن چاپ کرده و برای علمای عتبات می فرستاد... و در مدت کوتاهی توانست رابطه میان دربار ناصر الدین شاه و حوزه های علمیه سامرا و کربلا و نجف را تیره کند... داستان انحصار دخانیت پس از مدتی کشمکش بالاخره به نفع سید جمال الدین و موافق منظور او به پایان رسید و فتوای مرحوم میرزای شیرازی که بدون شک محصول تمهید مقدمات سیاسی سید بود، شاه و امین السلطان را در مقابل هیئت روحانی عتبات و تهران مغلوب ساخت و در ضمن میزان نفوذ علماء و تأیر دخالت مستقیم آنها در امور مملکتی به تجربه ثابت گشت... نامه های سید علمای بزرگ را با ذکر دلایل منطقی متوجه اهمیت وظیفه ای کرد که حفظ دین و مذهب در برابر ظلم و خیانت و اجحاف و اسراف ایجاب می کرد...» (محیط طباطبائی: سید جمال الدین و بیداری مشرق زمین، چاپ پنجم، صفحه ۸۹)

اینجانب نامه های سید را در کتاب: «نامه ها و اسناد سیاسی - تاریخی» جلد ۸ و ۹ مجموعه آثار سید جمال الدین حسینی، چاپ قاهره، صفحه ۱۸۵ تا ۲۰۷، آورده ام که بی شک برای اهل تاریخ و تحقیق، مراجعه به آنها مفید خواهد بود.

سید جمال تا چه میزان دغدغه حظ تمامیت ارضی و استقلال کشور را داشت؟ نحوه ارتباطات و تعاملات وی با پادشاه عثمانی چگونه بود که عده ای می گویند سید جمال ایران را تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی می خواست؟

سید جمال الدین به شهادت آثار و مقالات و متن سخنرانی ها و نامه هائی که از او به یادگار مانده است، همواره در همه جا دغدغه تمامیت ارضی و استقلال بلاد اسلامی - عربی و از جمله ایران را داشت... ارتباط او با خلیفه عثمانی در راستای ایجاد وحدت

و علوم سیاسی دانشگاه تهران در خدمتشان بودیم! تازه - و پس از ۵۰ سال که از تاریخ نشر اسناد و مکتوبات موجود در خانه امین الضرب می گذرد - از آن ها آگاه شده است که موجب کمال تعجب است! و به نظر می رسد که هنوز هم آن اسناد و مدارک را یا ندیده اند و یا به دقت بررسی نکرده اند، چرا که ایشان در مصاحبه خود با «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» نخست مدعی می شوند که: سید نقش و تأثیری در تحریم تنباکو نداشته است «یک نامه ای به میرزای شیرازی نوشته است که این نامه هیچ ربطی به حکم میرزای شیرازی نداشته است!» خوب این سطح از آگاهی، ایجاب نمی کند که کسی - آقای نجفی یا هر مدعی دیگر - به دآوری و قضاوت بنشینند!

ما در پاسخ یکی از سؤالات شما در همین مصاحبه، اشاره کردیم که سید پنج نامه به میرزای شیرازی و علماء عظام نجف و سامرا نوشته و به افشاکاری علیه رژیم قجری پرداخته و مفاسد و اقدامات و «مملکت فروشی» آن را اعلام داشته است که از جمله مواد این نامه مسئله «تنباکو» است و این نشان می دهد که این نامه، کاملاً به مسئله قرارداد کمپانی رژوی ربط دارد و پس از آن افشاکاری ها است که میرزا به شهادت معاصرین و مورخین منصف، حکم به تحریم تنباکو می دهد، اگرچه می توان گفت که مرحوم میرزا از طرق دیگر نیز در جریان حوادث جنجال تنباکو و یا فجایع رژیم، قرار داشته است.

پس از این ادعای بی اساس، نامبرده در پاسخ اینکه «آیا سندی برای فراماسون بودن سید وجود دارد؟» به طور قاطع می گوید: «سند هست و در کتاب های تاریخی بسیار است در اسنادی که در خانه امین الضرب که چاپ شده قسم نامه فراماسونی سید هم هست و در آنجا ذکر شده که سید در لژ کوکب شرق عضویت داشته است این امری بدیهی است!»

این پاسخ توضیحی آقای نجفی، واقعاً شگفت انگیز است. در کدام «کتاب های تاریخی» سند «بسیار» در این باره وجود دارد؟ آیا غیر از اسناد و مدارک چاپ شده توسط دانشگاه تهران در نیم قرن پیش، سند دیگری در کتاب دیگری چاپ شده است؟ کدام کتاب؟ و کدام سند؟ سند لژ کوکب شرق چه می گوید؟ آیا اصلاً پژوهشگر محترم آن را دیده است؟ در ورقه مندرج در کتاب فوق، به عنوان سند، دستخطی با امضای سید کابلی! نقل شده که این دستخط و امضا هیچ نوع شباهتی به دیگر دستخط ها و امضاهای سید ندارد، و در آن، «کتاب نامه» تقاضای عضویت در لژ کوکب شرق کرده است، و عجیب آنکه در سند مندرج در کتاب، بجای پاسخ به درخواست عضویت وی، ناگهان و پس از ۸ ماه یا یک سال - طبق تاریخ مندرج در درخواست و پاسخ - به «کتاب» ابلاغ شده است که «او» به «ریاست لژ کوکب شرق» انتخاب شده است؟

آیا معقول است که بدون طی مراحل مقدماتی و التزام به مبانی برنامه فراماسونی گری، ناگهان یک «طالب عضویت» به مقام «ریاست لژ» انتخاب شود؟ و اصولاً ورقه درخواست عضویت که قاعدتاً باید در آرشیو اسناد لژ کوکب شرق در قاهره باشد، چگونه پس از هفتاد سال، در میان نامه های سید در خانه امین الضرب پیدا شده است؟

البته پژوهشگر محترم، ضمن اشتباه خواندن این اقدام سید، مدعی می شود که این امر ناشی از «جاه طلبی» سید بوده است! واقعاً ظلمی بالاتر از این می توان بر یک سید لاقبای اسدآبادی یا کنری! تحصیل کرده در حوزه های علمیه ایران و عراق - روا داشت؟

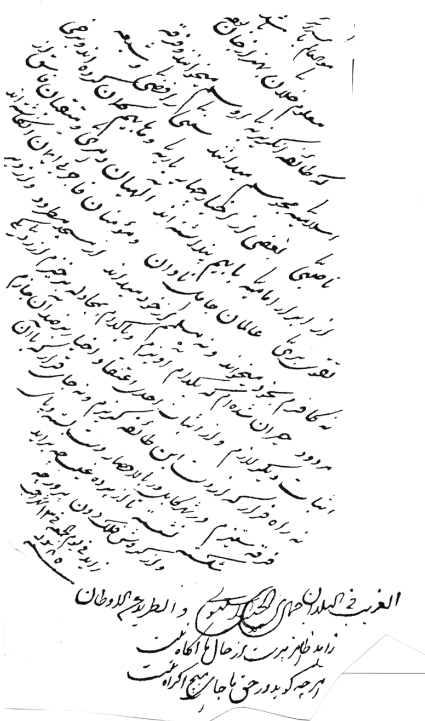
سید به شهادت مرحوم آیت الله حاج شیخ علی کاشف الغطاء پدر آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب ده جلدی «الحصون المنیعه» که در کتابخانه وی در نجف محفوظ است و من نسخه ای از آن چه را که مربوط به سید است،

ادامه در صفحه بعد

فی يوم الجمعة فی ۱۳ شهر رجب ۱۲۸۵
الغریب فی البلدان جمال الدین الحسینی الاستنبولی
و الطرید عن الاوطان
زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست
هر چه گوید در حق ما جای هیچ اکراه نیست
... ظاهراً در آن ایام، چون هنوز سید به مصر نرفته بود، شایعه «ماسون» بودن او مطرح نبوده و گر نه سید به آن هم اشاره می کرد... البته اتهامات و شایعات بسیار دیگری هم بعدها بر اکاذیب فوق افزوده شده که سید دیگر «بی خیال» شد و اهمیتی به آن ها نداد و به پاسخگوئی بر آنها نپرداخت...

جنابعالی معتقد به نقد افکار و اندیشه ها و عملکرد سید نیستی؟

چرا، من معتقد به نقد و بررسی علمی - تحقیقی - تاریخی افکار سیدجمال الدین و دیگران هستم ولی نمی توانم موافق هجمه و نقد بدون دلیل باشم... در مورد سید،



دستخط سید جمال که گلایه از انکارها و تکفیرها دارد

علاوه بر تاریخ نویسان دربار پهلوی، متأسفانه بعضی از دوستان ما هم بی دلیل به سید حمله می کنند... مثلاً واعظ محترمی - جناب پنهانان - که وقتی وارد «سیاست روز» نمی شود، منبرهای خوبی می رود، ناگهان به دلیل نقل جمله ای از سید - گویا مربوط به شیخ محمد عبده است - سید را «غرب زده - و یک «آدم ندید بدید» می نامد! که این دور از واقعیت است... و انصاف نیست کسی را که یک عمر با غرب و «غرب زدگی» مبارزه کرده است به «غرب زده» بودن متهم سازیم.

و واعظ محترم دیگری - جناب محمود نویبان - هم در یک سخنرانی می گوید: «سید وارد فراماسونری می شود و با افتخار به فراموش خانه می رود و عکس می گیرد و لباس آنها را می پوشد» و سپس گریزی به صحرای کربلا می زند و از بی بصیرتی او سخن می گوید... در حالیکه سید هرگز به فراموشخانه نرفته و همانطور که گفتیم عکسی هم نگرفته و آنچه را که اسماعیل رائین مورخ شاه چاپ کرده، یک نقاشی است که این را امروزه می توان با فتوشاپ! درباره همه اجرائی کرد! ... اصولاً من معتقد هستم کسانی که اهل تاریخ نیستند، بهتر است که در معقولات دخالت نکنند!

به تازگی مورخانی مانند آقای موسی نجفی با استناد به مدارکی که از خانه امین الضرب به دست آمده، به فراماسون بودن سید جمال تأکید دارند و عنوان می کنند: «قسم نامه فراماسونری سید هم هست و در آنجا ذکر شده که سید در لژ کوکب شرق عضویت داشته است. این امر بدیهی است» آیا رأی این دسته از مورخان را قبول دارید؟

البته اتهام فراماسون بودن سید جمال الدین حسینی، «تازگی» ندارد و شاید آقای دکتر موسی نجفی، پژوهشگر محترم که چند صباحی هم در دانشکده حقوق

اسناد مربوط به سید در بلاد مختلف، برخورد علماء و ملت های بلاد که سید به سرزمین آنها سفر کرده و با آنها زندگی نموده است و... را نیاز دارد.

در این قبیل مسائل، بدون تبیین و تبیین و بدون جمع آوری اسناد و مدارک، و با اتکاء به شایعه و سخن دشمنان، نمی توان به حقیقت و واقعیت رسید... در مسائل تاریخی باید شعور و دریافت، بر شعار و برداشت، غلبه کند تا به نتیجه منطقی و منصفانه برسد...

به هر حال من اندیشه و عمل سید را، در همه زمینه ها بسیار بزرگ و افتخارآمیز می دانم... تهمت ها و شایعات را با توجه به تهمت ها و اشاعات عصر ما درباره شخصیت های معاصر ما، کذب محض می دانم... و مع ذلک کله، سید را یک فرد غیرمعصومی می دانم که دچار اشتباهاتی در زندگی و فعالیت سیاسی خود شد که نقد و بررسی آن، در کنار تحلیل جنبه های مثبت زندگی پرتلاش او نیاز به تألیف چندین جلد کتاب دارد.

پدیده تهمت زنی و تخریب شخصیت ها در جوامع کنونی ناشی از چیست؟ و اصولاً آیا این پدیده سابقه طولانی در تاریخ دارد یا محصول کوتاه بینی و بداندیشی عصر ما است؟

نخیر! اتفاقاً این پدیده ضد اخلاقی، سابقه درازی در تاریخ بشری دارد یعنی حتی در دوران قبل از حضرت نوح هم رواج داشته و در زمان حضرت نوح شدت یافته است.

در قرآن مجید آمده است: كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِر... قوم نوح عبد صالح خداوند را تکذیب نموده و او را دیوانه خوانده و از انجام رسالتش بازداشتند: و ازدجر! این نوع از موجودات دویا به نام «انسان»! حتی مؤمنین و مؤمنات را به کارهایی که انجام نداده بودند متهم ساخته و آزارشان می دادند: وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغِيرَ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ اِخْتَلَوْا بِهِنَّانَا...

و به طور کلی نوح و عیسی و موسی و مریم و محمد (علیهم السلام) و سپس مردم با ایمان همواره در معرض اتهام و نسبت های ناروا قرار داشته اند - و دارند - همه انبیاء و رسل الهی، به تعبیر قرآن، شاعر و کاهن و ساحر و مجنون و ... نامیده شده اند؛ کلک ما آئی الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحرا و مجنون... و همین نوع تهمت ها و با اشکال دیگر آن، درباره شخصیت های تأثیرگذار معاصر از سید جمال حسینی و شیخ فضل الله نوری و آیت الله کاشانی گرفته تا امام خمینی، شایع و رایج بوده و در دوران خود ما نیز که عده ای به اوج بی تقوائی و بداخلاقی سیاسی رسیده اند، هرگونه تهمت زشت و دروغ بی اساس را برای تخریب شخصیت های ارزشمند، مانند شهید بهشتی، امام موسی صدر و دیگر معاصرین تأثیرگذار در کمال وقاحت و بیشرمی نشر می دهند، غافل از آنکه خداوند در «مرصاد» است و از عملکرد و کیفر «ظالمان» غافل نیست...

درباره سید غیر از فراماسونری و ارتباط با روس و انگلیس! چه تهمت دیگری مطرح بوده است؟

پاسخ این سؤال را اجازه بدهید از قول خود سید نقل کنم که دقت در آن، نشان می دهد سید جمال الدین در راه هدف خود، دچار چه نوع مشکلات و اتهاماتی بوده است.

سید در یک یادداشتی به خط خود، چنین نوشته است: هو العالم بالسرائر معلوم خلائن بهتر از جان بوده باشد که طائفه انکرزیه، اروسم می خوانند و فرقه اسلامی، مجوسم می دانند، سنی رافضی و شیعه ناصبی، بعضی از اخبار چهار یاریه، وهابیم گمان کرده اند و برخی از ابرار امامیه، بابیم پنداشته اند، الهیان دهری و متقیان فاسق از تقوی بری، عالمان جاهل نادان و مؤمنان فاجر بی ایمان انگاشته اند، نه کافر به خود می خواند و نه مسلم از خود می داند، از مسجد مطرود و از دیر مردود، حیران شده ام که با کدام به مجادله برخیزم؟...

از ردّ یکی اثبات دیگر لازم و از اثبات احدی اعتقاد و اخبار برضد آن جازم، نه راه فرار که از دست این طایفه گریزم و نه جای قرار که با آن فرقه ستیزم. در شهر کابل در بالا حصار دست بسته و پای شکسته نشسته تا از پرده غیب چه برآید و از گردش فلک دون پرور چه زاید.

باغ شاه، همه جا روح او راهنمای کسانی بود که هر یک از مقام مقتدای الانامی قرار داشتند. آری سید با فکر روشن و توانا و اراده نیرومند و عقیده ناب و زبان گویا و قلم نیرومند، کاری را در خاورمیانه عملی ساخت که در نقاط دیگر جهان به کمک توپ و تفنگ میسر نمی شد». (سید محمد طباطبائی: نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، چاپ پنجم، صفحه ۱۸ و ۱۹)
این شهادت، از یک آدم عادی نیست، از استاد سید محمد محیط طباطبائی است که بی تردید «محیط» تاریخ ایران و اسلام بود و آثار باقیمانده از او نشان دهنده عمق بینش و دقت نظر اوست و در تبیین مسیر تاریخ ایران و جهان اسلام و نقش سید در آن، نکاتی را یادآور می شود که متأسفانه اغلب نویسندگان عرب و عجم از آن ها غافل مانده اند... به کتاب او درباره سید و نقش او که سی و دو مقاله دارد و به کوشش بنده جمع آوری و بارها چاپ شده است مراجعه نمائید تا حقایق در این زمینه روشن گردد.

اما شیخ محمد عبده، شاگرد معروف و برجسته او که سید را پدر واقعی و معنوی خود می نامد و می نویسد که سید مرا از حضيض جهل و نادانی حاکم بر رجال متحجر مصری، نجات داد و به اوج علم و عرفان رساند و در واقع احیاگر من بود... او همواره در کنار سید بود و علاوه بر مصر، حتی برای اداره نشریه «العروة الوثقی» که از پاریس منتشر می گردید، مدیر تحریر نشریه بود و به دعوت سید به پاریس رفته بود و در سفر به کشورهای افریقای شمالی، اندیشه های سید را تبیین می کرد - که در تاریخ زندگی وی مشروح این اقدامات آمده است - محمد عبده، شیوه های سید را قبول داشت و حتی طبق نوشته خود وی، «در صورت موافقت سید، حاضر بود که اسلحه به دست بگیرد و بعضی از عمال استعمار و استبداد را در مصر، به قتل برساند...».

اما پس از سرکوب سید و آورگی در بلاد عربی، روش مسالمت آمیزی را در پیش گرفت و به قاهره برگشت و مفتی دیار مصر شد و به تفسیر قرآن و تأسیس مدارس - برای تربیت نسل جدید - پرداخت که این اقدامات نیز، روی دیگر سکه این بود که سید از آن بهره می گرفت. اصولاً مبارزه با استعمار و استبداد را یکبار با مواجهه مستقیم می توان انجام داد که در مرحله نخست، سید و شیخ و همراهانشان در مصر و بلاد دیگر به آن پرداختند و یکبار هم با اصلاح و تربیت نسل جدید و کادرسازی می توان به آن پرداخت... کاری که امام خمینی در مرحله نخست به آن پرداخت و هزاران طلبه را تربیت کرد که به اقصی نقاط ایران حتی روستاها و ده کوره ها رفتند و او قرار گرفتند و عامل اصلی پیروزی نهضت اسلامی، کادرسازی بی سر و صدای امام خمینی بود.

به هر حال روش بعدی شیخ عبده، را به دور از روش و دیدگاه سید نمی دانم. بلکه آن را بخش دیگری از استمرار مبارزه سید می دانم که شایط زمان و مکان آن را ایجاب می کرد.

در مجموع نظر و عمل سید جمال را در زمان خود چگونه ارزیابی می کنید؟ با توجه به تحقیقاتی که جنابعالی پیرامون این شخصیت داشتید مهم ترین نقدی که در دو حوزه نظر و عمل به وی دارید چیست؟

عملکرد سید در زمان خود، به نظر من یک عملکرد آرمانی والائی بود که ناشی از نظر و اندیشه ویژه و بالائی بود. یک سید لاقب! از گوشه اسدآباد همدان - و یا «کتر» افغان و از سادات هجرت کرده از همدان به آن دیار، - طبق گفته بعضی از برادران افغان! - بلند شده و چهارگوشه! معموره را دور زده، اما نه برای سیاحت و گردش - که به نوبه خود خوب است - بلکه برای احیاء ارزش ها، بیدارسازی ملت ها، مبارزه با استعمار و استبداد و استکبار... و یک عمر آوارگی و نبرد را پذیرفتن - علیرغم فراهم بودن همه امکانات رفاه و زندگی آرام ... و سرانجام در این راه، به روایت شاهان عینی ایرانی و افغانی و عثمانی، محبوس شدن در دار الخلافه خلیفه! و سپس «شهادت» - قطعی - با سم تزریقی پزشک ویژه سلطان...! اینها همه نشان از عظمت اندیشه و روح و فداکاری و ایثار راستین در راه هدف است... ارزیابی دقیق این مسائل به بررسی کامل آثار و نوشتجات سید، بررسی دیدگاه های موافقان و مخالفان، تحلیل دقیق

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۸
نظرها و اندیشه‌ها ◄ شماره مسلسل ۱۴۷۸
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

خبرگزاری مهر:نشست «بررسی تفاسیر اجتماعی قرآن» ۲۳ تیرماه، با سخنرانی دکتر محمود واعظی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم برگزار شد.

وی در این نشست اظهار کرد: قرآن کریم در حالی در شبه جزیره عربستان نازل شد که این سرزمین از نظر فرهنگی عقب بود و این کشور بین دو امپراطوری بزرگ ایران و روم قرار داشت. مردم آن روزگار عربستان بی‌سواد بودند و از راه گوسفندچرانی و غارت قبایل اطراف گذران روزگار می‌کردند.

واعظی ادامه داد: قرآن کریم برای مسلمانان مانند قانون اساسی است و لازمه این امر این است که برداشت و تفسیر از قرآن دارای یک شیوه و نظام علمی باشد وگرنه هر کسی از قرآن معنایی را برداشت می‌کند که مطابق میل خود او است و نتیجه کار این می‌شود که

کسانی که اهل

ادامه از صفحه قبل

در سفر چند سال قبل خود به نجف اشرف، تهیه نموده و در ایران متن عربی آن را مجله «رسالة التقريب» و ترجمه فارسی آن را در روزنامه «اطلاعات» چاپ کردم –و در آن آمده است که سید در نجف و کربلا تحصیل می کرده و از لحاظ علمی، علیرغم صغر سن، رتبه بالائی داشته است.

آقای نجفی در فراماسونر بودن «اشتباهی» سید، به شرح و بسط می پردازد و ناگهان نامی هم از «دکتر مصق» می برد که او نیز مرتکب «این اشتباه» شده است... اما در این مورد دیگر به شرح و بسط نمی پردازد و فقط به ذکر نام! بسنده می کند، تا از گزند یاران! و هواداران ملی گرا در امان باشد، اما در مورد سید که نه وارثی دارد و نه موسسه ای و نهادهی و حزبی از او هواداری می کند، به «ترکتازی» می پردازد.

و حتی ورود در لژ، برای توسعه فعالیت های سیاسی را هم که بعضی ها «ناکتیک» نامیده اند، نمی پذیرد و مدعی می شود که «تاکتیک غلطی بوده ولی وقتی فهمید که اشتباه کرده زوداز آن بیرون آمده و جبران کرده است».
آقای نجفی سپس نقش و تأثیر سید را در پیدایش نهضت مشروطیت در ایران و یا تلمذ میرزا رضای کرمانی در نزد سید در تهران و اسلامبول را هم منکر می شود و تلویحا معتقد می شود که میرزا رضا وابسته به عناصر بابی یا بهائی مخالف ناصرالدین شاه بوده است و سید در این امر هم نقشی نداشته است که البته اتهام اول درباره «میرزا رضا» از دوران سلطهٔ دستگاه پلیس ناصرالدین شاه باقی مانده است، و اما نقش نداشتن سید در تربیت و تعلیم میرزا رضا، در ایران یا در عثمانی، برخلاف نظریه همه مورخان و معاصران سید و حلقه دوستان سید در عثمانی است که ما در این گفتگوی کوتاه به آن نمی پردازیم و مطالعه متن بازجویی از میرزا که چاپ هم شده است عکس ادعای ایشان را ثابت می کند. ... نامبرده در ضمن، ناصرالدین شاه و رضاخان را «دیکتاتور» نمی داند بلکه آنها را سلاطین «مستبد» می نامد که گویا در منطق ایشان، این دو با هم فرق دارند. این یکی «مدرن» است و آن یکی یک «خودرای داخلی»! که از تحلیل جناب درس باید یاد گرفت!

از آقای دکتر موسی نجفی که در آن چند صباح حضور در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، از شاگردان میرز کلاس من بود دو انتظار دارد:

۱- اطلاع دهند که قسم نامه سید! در کدام صفحه کتاب اسناد و مدارک خانه امین الضرب چاپ شده است؟
۲-از کتاب های تاریخی بسیار – که گویا سندی –درباره فراماسونری کردن سید دارند، فقط نام یک کتاب را – ذکر کنند! البته مراد نام کتاب های ناقل اکاذیب و اتهامات و گزارش هائیتست؛ نام کتابی که «سندی» داشته باشد.

اما اصل داستان، آنطور که مورخان معاصر سید، با مراعات عدل و انصاف آن را نقل کرده اند اینست که سید در فعالیت های سیاسی –اجتماعی –فرهنگی گسترده خود

گروه‌هایی مانند داعش و طالبان با استناد به همین آیات مسلمانان را به قتل می‌رسانند.

وی تصریح کرد: اولین و بزرگترین مفسر قرآن کریم بعد از حضرت رسول اکرم(ص)، امام علی(ع) بودند که در دامن ایشان بزرگ شدند و در همه جا در کنار ایشان بودند. امام علی(ع) منشأ شکل گرفتن ۱۵ علم جدید شدند که قبل از ایشان به هیچ عنوان مطرح نبود که از این موارد می‌توان به علم صرف، نحو، اصول فقه، عروض، فقه، تفسیر و ... اشاره کرد.

معاون دانشکده الهیات دانشگاه تهران افزود: در ابتدای خلافت امام علی(ع)، ایشان بیت‌المال را به عدالت و مساوات توزیع کردند و همین امر باعث شد که عده‌ای از یاران پیامبر(ص) به سهم‌خواهی برخیزند و جنگ جمل را راه بیندازند. در ادامه به تدریج گروه‌ها و نحله‌های مختلف ایجاد شد تا هرگروهی قرآن را طبق سلیقه خود تفسیر کند. وی توضیح داد: باید توجه کرد که مقصود از تفسیر قرآن این نیست که معنای کلمات به کار رفته در آیات قرآن را توضیح دهیم زیرا قرآن مبین و بلیغ است و معنای آن روشن و واضح است و ابهامی

تاریخ نیستند، در معقولات دخالت نکنند!

در مصر، با کار تشکیلاتی بیشتر آشنا شد و قبل از تأسیس «حزب الوطنی الحر» با جمعیت فراماسونری مصر آشنا شد وبا این اندیشه که می تواند از نفوذ سیاسی این جمعیت در پیشبرد اهداف خود استفاده کند، وارد آن جمعیت شد به ویژه که رجال و عناصر بانفوذی در مصر عضو آن جمعیت بودند. (به تاریخ جنبش ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی تألیف عبدالهادی حائرص ۸۹، رجوع شود)

محمد پاشا مخرومی که مدت مدیدی در اواخر عمر سید در «استانه» خلافت عثمانی در کنار سید بوده و خاطرات او را جمع آوری و منتشر کرده است، در مقدمه آن، که در شرح حال سید نگاشته است، به این نکته اشاره نموده، و از قول سید نقل می کند:

«تخستین چیزی که مرا تشویق کرد در بنا آزادی خواهان شرکت کنم، همان عنوان بزرگ: آزادی، برابری، برادری بود که به نفع کل بشریت است که به طور طبیعی با نابودی ستمکاران همراه خواهد بود تا بنیاد عدالت واقعی استوار گردد.» سید با این هدف وارد جمعیت ماسون گردید و در یک سخنانی تند، سیاست استعماری انگلیس را به باد انتقاد گرفت، اما رئیس لژ!خطار کرد:

«جمعیت ماسون در سیاست دخالت نمی کند و محفل ما در صورت دخالت در سیاست، تحت فشار قرار خواهد گرفت... و سید بلند شد و با اعتراض گفت : من انتظار داشتم که در مصر چیزهای عجیب و غریبی بشنوم و ببینم ولی تصور نمی کردم که ترس در درون استوانه! محافل ماسونی هم رخنه کرده باشد. اگر ماسونی گری در سیاست دخالت نمی کند، پس چگونه می خواهد برابری، برادری و آزادی را در جهان استوار سازد، ... (رجوع شود به کتاب خاطرات الافغانی، تألیف محمد مخرومی پاشا، چاپ قاهره، صفحه ۴۰، که با مقدمه و به کوشش اینجناب به هنگام اقامت در مصر چاپ شده است)؛ عین همین مطلب را جرجی زیدان در کتاب «مشاهیر الشرق» و احمد امین در «فیض الخاطر» نقل کرده اند و البته سید پس از این سخنرانی و مجادله و مشاجره بسیار با مسئولین محفل ماسونی، از آن جمعیت کنار می رود و به نوشته بعضی ها «اخراج» می گردد.

استاد سید محمد محیط طباطبائی، پژوهشگر معاصر هم به این نکته اشاره می کند و می نویسد: «... سید که هر عنوان و اقدامی را برای پیشرفت نظریه سیاسی خود مفید می دانست، بدان دست می زد و قید عقیده و محل و منشأ و روش خاصی را که مضر به توسعه افق نفوذ فکری برای اصلاحات عالم اسلامی می دانست، از میان برداشته و چند صباحی از دسته فراماسون های مصری که وسائل نشر عقیده و افکار در اختیار داشتند، استفاده کرده بود، امروز در نقش یک فراماسون خرقه پوش صاحب پیش بند و حمایل روی جلد کتاب تازه تصویر می شود تا ذهن کسانی را که ضمن تبلیغات سیاسی اخیر بدبین شده اند، در زیر لفافه توصیف و تعریف بر ضد او برانگیزند» (به کتاب نقش سید جمال الدین در بیداری

در کلمات آنها وجود ندارد؛ بلکه معنای تفسیر این است که مراد خداوند را از آن آیات بیان کنیم و به طور مثال معنای اینکه «خداوند به عرش تکیه زد» را روشن کنیم. واعظی تصریح کرد: اوج تمدن اسلامی در قرن سوم و چهارم هجری بود و پیشرفت مسلمانان به جایی رسید که از غرب گروه گروه مستشرق به جوامع اسلامی می‌فرستادند تا زبان عربی را یاد بگیرند و راز پیشرفت مسلمانان و پیام آیات را بفهمند. اما رفته رفته جوامع اسلامی درگیر جنگ شدند و قدرت و عظمت آنها افول کرد.

وی بیان کرد: در اثر این افول و فاصله گرفتن از قرآن کار به جایی رسید که با توطئه دشمنان، قرآن فقط محدود به قبرستان‌ها و مراسم تشریفاتی شد. این روند ادامه داشت تا وقتی که در حدود ۱۵۰ سال قبل سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده سفرهایی را به جهان اسلام آغاز کردند و سخنرانی‌هایی کردند تا زمینه توجه مسلمانان را به معارف قرآن مهیا کنند.

این استاد دانشگاه گفت: اسدآبادی را می‌توان آغازگر تفاسیر اجتماعی قرآن کریم دانست؛ زیرا وی توجه به معارف قرآن را از رویکرد جامعه آغاز کرد. به عبارت

مشرق زمین، مراجعه شود).

و اما مورخان دربار پهلوی امثال : ابراهیم صفائی، اسماعیل رائین، ولی الله یوسفیه، کتیرائی، شجاع الدین شفا و امثالهم! که از محفل انس! اسدالله علم –وزیر دربار شاه –ارتزاق می کردند، برای ضربه زدن به نهضت اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی آغاز شده بود، «سرسلسله جنبان این حرکت ها» را به اتهام عضویت در محفل ماسونی مصر، به شدت مورد حمله قرار دادند و حتی اسماعیل رائین در کتاب خود، «فراموش خانه و فراماسونری در ایران»، یک عکس نقاشی شده از سید جمال الدین را – که البته عمامه سفید دار! – در لباس ماسون ها چاپ کرده تا ثابت کند که سید فراماسونر بوده است، ولی اتفاقا خود در زیر آن عکس می نویسد که «تقاشی» است... و البته اگر در آن ایام «فتوشاپ» هم اختراع! شده بود بی شک عکس های گونه گونی از سید جمال را در محافل و حالات مختلف! شاهد می شدیم، همانطور که ساواک شاه در مورد بعضی از روحانیون و وعاظ در اقدامی غیراخلاقی به آن دست زد و عکس هائی را در دوران سلطهٔ شاه، چاپ و منتشر نمود..

بعضی دیگر از دشمنان سید، او را متهم کرده اند که با همکاری شیخ محمد عبده «محفل ملی» را در قاهره تأسیس کرده که سببد عضو داشته است! و بعضی دیگر مدعی شده اند که سید با همکاری ملک خان فراموشخانه آمیت! را در ایران پایه گزاری کرده است و بعضی دیگر... در حالی که اسماعیل رائین دشمن سرسخت سید، می نویسد: «... سید از گراند لژ مصر اخراج شده بود و دیگر نمی توانست وارد لژ دیگری بشود تا چه برسد به اینکه به شخسه مأمور تأسیس لژ شده باشد (رجوع شود به فراموش خانه، اسماعیل رائین، ج ۱ ، صفحه ۳۵۹ – ۴۲۱، چاپ تهران) و تقی زاده نیز – که خود فراماسونر بود، در کتاب «مردان خودساخته» تأسیس فراموشخانه توسط سید در مصر یا ایران را قبول ندارد.

به هر حال نشر اکاذیب و اتهامات درباره سید در آن زمان از سوی حکومت ها و ارتجاع حاکم بر بلاد، بسیار زیاد بود و اشاعه آن در ایران و بلاد عربی، پس از آغاز نهضت اسلامی در ایران، اوج گرفت تا نشان دهند! که «سرسلسله جنبان این نهضت ها» فراماسونر بوده است... اما محفل ملی که مدعی شده اند سید آن را در مصر تأسیس کرده بود، در وقع همان «حزب الوطنی الحر» – حزب ملی آزاد – بود که سید با همکاری شیخ محمد عبده و گروهی از هوادارانش آن را تأسیس کرد و به علت گسترش دامنه فعالیت آن در مصر، به تحریک سفارت انگلیس، توسط دولت مصر، متحله اعلام گردید و سید نیز برای همیشه از مصر «اخراج» گردید.

درباره «حزب الوطنی الحر» من بحثی را تهیه کرده ام که امیدوارم روزی چاپ شود تا علاقمندان از نوع فعالیت های سید جمال الدین حسینی، در مصر، بیشتر آگاه شوند.

قم – مرکز بررسی های اسلامی
سید هادی خسروشاهی – ۹۳/۴/۱۰

سید جمال الدین اسدآبادی آغازگر تفاسیر اجتماعی قرآن کریم است

دیگر وی برآن شد تا این مطلب را تبیین کند که قرآن برای زندگی روزانه ما و برای سعادت دنیا و آخرت ما پیام دارد و فقط برای تلاوت و ثواب بردن در مجالس نیست. وی اظهار کرد: اعتقاد به احیاگر بودن معارف قرآن کریم، زیربنای تفسیر اجتماعی قرآن است زیرا براساس معارف قرآن کسی که ایمان نداشته باشد و نسبت به بدی‌ها واکنش نشان ندهد، مرده‌ای در بین احیاء است. عقل‌گرایی، اصل بودن نص و متن قرآن کریم، از دیگر ویژگی‌های این نوع تفسیر است.

واعظی یادآور شد: با وجو تلاش‌های جمال الدین اسدآبادی، وی نتوانست این بیداری اسلامی را در سطح وسیع در جامعه ایجاد کند اما امام خمینی(ره) نه تنها این توجه عمومی را نسبت به معارف قرآن در جامعه ایجاد کرد بلکه توانستند احکام اجتماعی قرآن را عملی کنند.

وی در پایان سخنانش تصریح کرد: بر اساس فرمایش حضرات معصومین(ع)، اگر ما می‌خواهیم مشکلات خود را از قرآن استنباط کنیم باید با پرسش و دغدغه سراغ قرآن برویم و مشکلات خود را به این کتاب آسمانی عرضه کنیم و راهکارهای قرآنی را برداشت کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین سیدرضا اکرمی:

روز قدس مبین سیاست خارجی ایران در مقابل اشغالگری است

ادامه از صفحه اول

وی یادآور شد: به نظر من باید دو کار جدی در این زمینه انجام بگیرد. یکی اینکه باید آگاه‌سازی مردم دنیا از هر کیش و مسلکی نسبت به جنایات صهیونیست‌ها انجام بگیرد و دیگر اینکه باید دولت‌های حامی و یا بی تفاوت و ساکت نسبت به این جنایات را افشا کرد.

حجت‌الاسلام اکرمی درباره اهمیت روز قدس به عنوان یکی از مصادیق آگاه‌سازی مردم جهان نسبت به جنایات صهیونیست‌ها گفت: ما در جمهوری اسلامی ۲ روز حساس در طول سال داریم. یکی ۲۲ بهمن است که جشن ملی است و بسیار شکوهمند و آبرومند برگزار می‌شود برای اینکه از متن مردم، با مردم و برای مردم انجام می‌شود.

وی اضافه کرد: زمانی که مردم سالی یکبار در کنار هم جمع می‌شوند و نسبت به انقلابی که ۳۶ سال پیش انجام داده‌اند اظهار خرسندی و نشاط می‌کنند و هر سال هم می‌بینند به برکت انقلاب اسلامی دستاوردهای مهمی نصیب کشور شده است، انگیزه بیشتری برای دفاع از نظام و کشور پیدا می‌کنند.

حجت‌الاسلام اکرمی اظهار کرد: در ۲۲ بهمن امسال هم قطعا دستاوردهای داریم که در سال گذشته نداشتیم. در چند سال گذشته مسئله اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی واقعا در فضای بین‌المللی وجود داشت اما با همین مذاکرات هسته‌ای، با وجود آنکه در نیمه راه است، دیگر در کمتر رسانه بین‌المللی حرفی از این مسائل شنیده می‌شود.

رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری عنوان کرد: دومین روز مهم در جمهوری اسلامی روز قدس است که سیاست خارجی کشور ما را اعلام می‌کند. ما به وضوح در روز قدس می‌گوییم اسرائیل غاصب است و سرزمین فلسطین را غصب کرده است. اگر به نقشه جغرافیای جهان در شصت سال پیش مراجعه کنیم کشوری به نام اسرائیل بین کشورهای جهان نمی‌یابیم.

حجت‌الاسلام اکرمی یادآور شد: مسئله بعد اینکه روز قدس فرصتی است که جنایات اسرائیل را هر سال به شکل مستوفی و مفصل به اطلاع جهانیان برسانیم و بگوییم اسرائیل، رژیم قانون‌ستیز، آدم‌کش، تروریست و جنایتکار است و نسبت به هیچ فردی از هر مسلک و مرامی رحم ندارند و نژادپرست و فاشیست است.

وی در پایان اظهار کرد: دنیا باید این غده سرطانی را از پیکره فلسطین و جهان حذف کند و این جنایتکاران را محاکمه کند تا دیگر حیات کثیفشان ادامه پیدا نکند و انشالله فلسطین با یک رفراندم آبرومند با نام فلسطین به حیات و زندگی خود ادامه دهد.

و تحکیم صف ایشان در رویارویی با این دو خطر بزرگ یعنی: خطر صهیونیسم و خطر تروریسم تکفیری، اعلام می‌داریم و تمامی علمای امت و رهبران و بزرگان مخلص آن را فرامی‌خوانیم تا همه سعی و کوشش خود را در راه وحدت‌بخشی به امت اسلامی و متحد ساختن صفوف آن و ممانعت از پیاده شدن نقشه‌های دشمنان در آسیب رساندن به مصالح و منافع امت اسلامی و تهدید سرنوشت آن، به کار گیرند.

ما یک بار دیگر از تمامی مراجع اسلامی و رهبران و زعمای دینی در مصر و نجف و قم و حجاز و شمال آفریقا و دیگر مراکز علم و فتوا می‌خواهیم تا اقدام به صدور فتواهایی در تحریم جنگ مسلمانان با یکدیگر نمایند و همه کوشش خود را در راستای وحدت بخشیدن به صفوف اسلام و اسلامیان و دفع فتنه‌ها و مفسده‌هایی که مسلمانان را پراکنده و صف آنان را چندپاره می‌کند و مانع از وحدت و یکپارچگی ایشان در رویارویی با دشمن نابکار صهیونیستی - که خود از وارد آوردن هرگونه ضربه‌ای به اسلام و مسلمانان دریغ نمی‌ورزد - می‌شود، به کار گیرند. از خداوند متعال مسئلت داریم که در این ماه مبارک و عزیز، بر تمامی مسلمانان مَنّت نهاده و عزّت و وحدت و پیگیری بر دشمنانشان را ارزانیشان بدارد و سرزمین‌های اسلامی را از شر فتنه‌ها و مفسده‌جویی‌های مفسدان و هواپرستان در امان نگاه دارد. «انه سمیع مجیب».

(کمیته مساعی حمیده)
«مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»
پانزدهم رمضان المبارک ۱۴۳۵ هجری قمری

نامه آیت الله اراکی به علما، نخبگان سیاسی و فکری در خصوص اوضاع کنونی جهان اسلام

قدس شریف و مشروعت بخشی به شهرک‌نشینی و شهرک سازی و گسترش نقشه و جغرافیای اشغال سرزمین فلسطین را به اجرا می‌گذارد.

دوم: توطئه صهیونیستی - آمریکایی ضربه زدن به مقاومت اسلامی و چندپاره کردن ملل مسلمانی که این مقاومت را در بال و پر خود گرفته‌اند و نیز تقسیم و تجزیه کشورهای که زیر بار پروژه سازش آمریکایی با رژیم صهیونیستی با هدف چیرگی کامل بر قلب جهان اسلام و تبدیل کشورهای حامی مقاومت به کشورهای کوچک و ضعیف و ناتوان در حمایت از مقاومت و درگیر فتنه‌ها و مفسده‌ها و جنگ های داخلی با بهره‌گیری از گروه های تکفیری و دار و دسته‌های تروریستی مورد پشتیبان صهیونیست‌های عرب - این هم‌پیمان ایالات متحده آمریکا و شرکای دولت نامشروع صهیونیستی - نرفته‌اند.

این دو رویداد خطرناک، تشکیل دهنده دو لبه قیچی فتنه بزرگی هستند که سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان گرفتار آن شده و خداوند متعال در قرآن کریم بدان اشاره کرده و پیامبر بزرگوار و گرانقدر ما حضرت محمدبن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در چندین حدیث صحیحی که عموم مسلمانان بر صحت اسناد آن اتفاق نظر دارند بر آنها انگشت‌گذاری و شدیداً ما را از آنها و پیامدهای شومشان برحذر داشته است. رویارویی با این فتنه بزرگ، مهمترین وظیفه شرعی، عقلی و منطقی همگی ماست که اقداماتی به شرح زیر را ایجاب می‌کند: یک: وحدت صف هرچه بیشتر در رویارویی با دشمن صهیونیستی و رژیم‌های استکباری هم پیمان با آن و کنار‌گذاستن اختلافهای سیاسی و فکری که

متن نامه آیت الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به علما، نخبگان سیاسی و فکری و رهبران مصلح در خصوص اوضاع کنونی جهان اسلام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَٰهُهُ وَأَتَقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا تَخْشَرُونَ مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (سوره انفال، آیات ۲۴و۲۵) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کيفر است)

به علمای مخلص اسلام!

به رهبران و زعمای مصلح!

و به نخبگان سیاسی و فکری و عموم صاحب نظران و اصحاب اندیشه و نظر در سرزمین‌های اسلامی!

امروزه جهان اسلام شاهد دو رویداد بسیار خطرناکی است که سرنوشت اسلام و مسلمانان را رقم خواهد زد: یکم: جنگ نسل کشی که یک بار دیگر دشمن صهیونیستی علیه هم‌کیشان ما در فلسطین و به ویژه در غزه قهرمان به راه انداخته و بی گناهان و کودک و زن و مرد را به خاک و خون می‌کشد و حرمت نخستین قبله مسلمانان را زیر پا می‌نهد و توطئه شوم یهودی‌سازی

عضو شورای عالی مجمع تقریب:

وحدت اسلامی؛ یکی از رهتوشه های هدایت قرآن است

اسلام قلمداد کند به ظواهر پرداخته اند.

«اسلام» مکتب تعقل نه ظاهر گرایی

وی افزود: در قرآن کریم بیش از ۵۰مورد استشهد به «عقل» شده و ۱۶مورد استشهد به «اولی الالباب» شده و بیش از ۱۶مورد استشهد به فکر شده است. معلوم می‌شود که این مکتب، مکتب «تعقل» است اگر ما مسئله تعقل را کنار بگذاریم و فقط و فقط بیندیشیم به مسئله نقل، در مورد نقل هم نه نقل متواتر حتی در نقل حدیث نقل ضعیف را ملاک عمل قرار دهیم جزء گروه ظواهر خواهیم شد که یک حدیث ضعیف را به عقل غلبه دهیم. عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه تاکید کرد: علت این که امروز گروهی آلوده شده‌اند به تفکر تکفیر مسئله بسنده کردن به یک سری ظواهر احادیث است بدون این که عمق پیدا کند و از سوی دیگر استفاده ابزاری از دین است. وقتی جهاد نکاح را از سوی این گروه های تکفیری می بینیم نشان می دهد که چقدر اینها با محتویات دین به بازی برآمده اند و چقدر فتاوی ضد عقل و ضد اندیشه و همچنین ضد اسلامی را صادر کرده اند؛ پس در حوزه فرهنگی با آنها مواجه بشیم که خلاصه این که آنها را تفهیم کنیم که شما در دایره چهل هستید نه علم؛ در دایره تحجر هستید نه در دایره تعقل.

لزوم مقابله علمای اسلام با گروههای تکفیری

سلیمانی در ادامه بر تاکید بر لزوم اقدام عملی علمای جهان اسلام با گروههای تکفیری، بیان داشت: راهکار دوم مقابله با تکفیریه‌ها مسئله اجتماعی است؛ امروز علمای بزرگ عالم اسلام مثل مفتی الزهر، مفتی عربستان، عراق و... علاوه بر علمای شیعه حکم به باطل بودن این گروه را صادر کردند که این گروه جز مسیر غلط و مسیر باطل و شیطانی و ابزار بودن برای جهان استکبار چیز دیگری نیستند و دلیل آن این است از زمانی که داعش و داعشی‌ها به بازار آمدند اسرائیل بالاترین امنیت را احساس می کند لذا اقدام موثر و مقابله علمای اسلام با گروههای تکفیری از دیگر راهکارهای اساسی مقابله با جریان تکفیر می باشد.

روزه و... که حلقه های اتصال بین مسلمانان هستند. با توجه به همه این حلقات اتصال اگر باز ما را دشمنان در دام اختلاف بیندازند و نوعی تبلیغ کنند که نمی توانید همدیگر را بیابید و در کنار هم برادرانه زندگی کنیم و نتوانیم آن تقریبی که پیامبر(ص) ما را به آن دعوت کرده و به آن دست یابیم ما قطعاً از قافله پرت هستیم. وی افزود: اگر بتوانیم به وظایف دینی خود عمل کنیم که از جمله وظایف مهم، تشکیل «امت واحده اسلامی» که تابع یک کتاب، یک قبله، یک پیامبر است، دستور العمل تقریب را اجرایی کرده ایم؛ «تقریب» در مفهوم اسلامی یعنی مطرح کردن مشترکات و کنار گذاشتن متفرقات.

وحدت جامعه اسلامی شعاری نیست شعوری است

آیت الله عباسعلی سلیمانی با بیان این که وحدت مسلمین وحدتی تاکتیکی یا سیاسی نیست بلکه وحدت اعتقادی و واقعی می باشد، اظهار داشت: صرف اتحاد مدنظر نیست؛ ما مثل اتحادیه اروپا و یا ایالات متحده امریکا یا اتحادیه جماهیر شوروی نیستیم ما جامعه اسلامی هستیم؛ جامعه اسلامی وحدتش شعاری نیست شعوری است؛ تاکتیکی نیست اصلی است؛ در محتوای دین ما مسئله تقریب نهفته است؛ تقریب پدیده نوظهور نیست پدیده ای است که از زمان ظهور اسلام در بین مسلمین به وجود آمد همچنانکه در بین قبایل اوس و خزرج پیامبر گرامی اسلام تقریب ایجاد کرد.

راهکار فرهنگی و اجتماعی برای مقابله با تکفیری‌ها

وی در ادامه این گفتگو به راهکارهای مقابله با تکفیریه‌ها پرداخت و گفت: دو راهکار برای مقابله با گروههای تکفیری وجود دارد یکی راهکار فرهنگی و راهکار دیگر اجتماعی است؛ راهکار فرهنگی مفهومی این است که ما باید بنیم ریشه تکفیریه‌ها در کجاست و چه چیز و عامل موجب پیدایش تکفیر شده است؛ آنچه که قطعاً عامل پیدایش تکفیر است جهل و نادانی آنها می باشد و عدم استفاده از عقل است ما می بینیم وقتی رهبران گذشته تکفیریه‌ها مثل ابن تیمیه به جای این که عقل را به عنوان یک سند محکم و کاربردی در دین

آیت الله «عباسعلی سلیمانی»در گفتگو با خبرنگار تقریب(تا) با اشاره به برکات ماه مبارک رمضان برای مسلمین، خاطرنشان کرد: باتوجه به آیه «نزل فيه القرآن هدی لناس...» ماه مبارک رمضان بستر رویش قرآن است. وی تصریح نمود: قرآن به عنوان سرمایه هدایت بشریت توصیف شده، آن وقت اگر بنا باشد جامعه اسلامی و با توجه «والذین آمنوا...» که مخاطب اصلی این آیه هستند از قرآن نتوانند رهتوشه هدایت بدست بیاورند وای به حال آن مسلمان. چه بسا تلاوت کنندگان قرآن وجود دارند که قرآن آن‌ها را لعنت می کند. یکی از مصادیق روشن این قصه همین واقعیت است یعنی به این معنا که ما قرآن را تلاوت می کنیم اما رهتوشه ای از قرآن برای هدایت خودمان بدست نمی آوریم و این عیب بزرگی است. یکی از رهتوشه های هدایت قرآن «واعتصمو بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» است یعنی مسئله ایجاد «وحدت بین امت مسلمان».

ماه رمضان بستر رویش قرآن است

عضو شورای عالی مجمع تقریب در ادامه بیان داشت: اگر مسلمان یا گروهی از مسلمانان بخواهند به مسئله تفرقه دامن برزند یعنی نتوانستند به وسیله قرآن رهتوشه هدایت بدست آورند، آن وقت مثل همان کسانی هستند که در عین حال که تلاوت قرآن می کنند اما قرآن آنها را مورد لعن قرار می دهد. پس ماه رمضان بستر رویش قرآن است و قرآن سرمایه هدایت انسان است و مسلمانان برای هدایت پذیری از قرآن از دیگران اولی و احق هستند اگر این کار را انجام ندهند قطعاً بین ما و قرآن و محتوای قرآن فاصله وجود دارد.

عمده متفرقات ما در حوزه فقه است

وی با اشاره به این که مشترکات ما بالای ۹۰درصد است و متفرقات ما در بین مذاهب اسلامی کمتر از ۱۰درصد، خاطرنشان کرد : عمدتاً متفرقات ما در حوزه فقه است و در حوزه اخلاق، اعتقاد و... تفاوت زیادی وجود ندارد پس ما به عنوان یک امت قلمداد می شویم و تابع یک پیامبر، یک قرآن و با باور به یک خدا هستیم؛ ما مشترکات وسیعی در حوزه اعتقادات و در مسائل اخلاقی و حتی درفقه عملی داریم مثل اعتقاد به کعبه، نماز،

تکفیر؛ کارسازترین تلاش غرب برای ضربه زدن به اسلام

وی در ادامه این گفتگو اظهار داشت: دنیای استکبار برای این که بتواند سد محکمی مقابل گرایش به اسلام در جهان به وجود آورد بهترین شیوه را انتخاب کرده است؛ اگر بنا بود مقابله عملی با جهان اسلام کند، هرگز نمی توانست از پس اسلام برآید؛ چنانچه در طی قرون متمادی این مبارزه را انجام داد و طرفی نیست و بیش از ۲۰۰سال جنگ صلیبی نشان داده دنیای استکبار در مقام مقابله نظامی و با قوه قهریه با جهان اسلام، جز محبوبیت اسلام و گرایش عالم به سمت دین مبین اسلام چیز دیگری نصیب آنها نشد. اما اگر بیابند چهره اسلام را مشوه کنند و معارف اسلام را مخدوش کنند یعنی گروهی به نام داعش و جهاد مردم را بکشند، به نوامیس مردم تجاوز کنند و بگویند اسلامی که شما دنبال آن هستید این روش آن است قطعاً بهترین توشه را از این طریق برای اسلام ستیزی توانسته‌اند بدست آورند.

وی تصریح نمود: آنچه که ما وظیفه داریم این است که بگویم گروه داعش مسلمان واقعی نیستند؛ مسلمان ظاهرنامی ابزاری هستند، مستعمره دنیای استکبار و مزدور دنیای کفر هستند اسلام واقعی اسلام عدالت است؛ اسلام اعتدال و رفت و رحمت و محبت می باشد، آنچنانچه نبی مکرم اسلام در قرآن به عنوان رحمت للعالمین توصیف شده است.

هویت داعش و داعشی‌ها تبیین شود

عضو شورای عالی مجمع تقریب در پایان با تاکید بر لزوم رسواساختن گروه تکفیری داعش، گفت: چیزی که باید در جامعه بیشتر به آن پرداخته شود تبیین هویت داعش و داعشی‌ها برای جامعه اسلامی ماست؛نباید فریب حرکات ظاهری آنان را خورد؛ اینها با گفتن «الله اکبر» و «بسم الله» سر مسلمانان را می برند. باید این تنفر عمومی و بصیرت افزایی و شناخت نسبت به هویت آنها که آنها مزدورانی برای دنیای استکبار بیش نیستند در جامعه ما بیشتر به آن پرداخته شود تا خدایی ناکرده جوانان خام و ناپخته جامعه اسلامی ما فریب نخورند و در دام این افراد شرور فتنه انگیز نیفتند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

نگاهی به فعالیتهای انتشارات انصاریان با گستره بین المللی

ایکنا: ایمان شمس، مسئول غرفه انتشارات انصاریان، از ارائه ۱۵۰ عنوان کتاب در بیست و دومین نمایشگاه قرآن خبر داد و گفت: از این تعداد اثر، ۱۵ اثر جدید هستند که به زبان فارسی ارائه شده‌اند.

وی با اشاره به اینکه اکثر کتاب‌های این انتشارات مضمون دینی دارند که به زبان‌های مختلف منتشر می‌شوند، افزود: زبان اول این انتشارات در چاپ کتب، انگلیسی است که در این راستا ۶۵۰ اثر داریم.

شمس از چاپ کتاب به زبان‌های فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، روسی، چینی و ... یاد کرد و ادامه داد: گستره کتاب‌های این انتشارات زبان‌های لاتین است که البته در کنار این آثار کتاب فارسی نیز در نمایشگاه قرآن ارائه شده است.

وی با اشاره به کتاب «علی(ع) منبع فضایل و کمالات» به عنوان اثر جدید این انتشارات عنوان کرد: این اثر نوشته آیت‌الله حسینی یزدی است که درباره فضایل و مصائب امیرالمؤمنین(ع) به زبان فارسی نوشته شده.

شمس در ادامه یادآور شد: کتاب «در شعاع هشتمین نور» اثر دیگری از این انتشارات است که اخیراً منتشر شده و درباره خواننده صلوات خاصه امام رضا(ع) است که سال گذشته در گذشت.

به گفته مسئول غرفه انتشارات انصاریان، «کتاب صاعقه‌های الهی» نیز اثر جدید دیگر این انتشارات است که در رد و هایت نوشته شده است. نویسنده این اثر شیخ سلیمان و مترجم اثر، محمدمهدی منتظری است.

شمس از کتاب «علی(ع)، منبع فضایل و کمالات» به عنوان اثر پرفروش این نشر یاد کرد و ادامه داد: قرآن انگلیسی این انتشارات نیز از آثار پرفروش در نمایشگاه به شمار می‌آید که به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی ارائه شد.

وی از چاپ قرآن به زبان‌های فرانسوی، ترکی استانبولی، آلمانی، آذری، فیلیپینی، اسپانیایی و ایتالیایی توسط این انتشارات خبر داد و افزود: فروش بیشتر این انتشارات در خارج از کشور صورت می‌گیرد.

شمس ادامه داد: کار این انتشارات در حوزه چاپ کتب تخصصی است و از این رو بازار فروش نیز به کشورهای عربی مثل سوریه، لبنان و کشورهای آفریقایی همچون ساحل عاج و نیجریه مربوط می‌شود. وی در ادامه گفت: اغلب قرآن‌ها و کتاب‌های مذهبی در کشورهای مسلمان‌نشین ارائه می‌شوند. همچنین کشورهای اروپایی نیز که در آنها مسلمانان حضور دارند، مقصد دیگر کتاب‌ها و مصاحف این انتشارات هستند.

شمس از ارائه قرآن انگلیسی این انتشارات در کانادا، انگلستان و فرانسه و کشورهای آفریقایی همچون ساحل عاج و الجزایر یاد کرد و افزود: جدیدترین قرآن چاپ شده این انتشارات به زبان ایتالیایی است.

وی همچنین از قرآن چهار مترجم یاد کرد که به زبان انگلیسی است و زیر هر آیه چهار ترجمه به زبان انگلیسی ارائه شده تا مخاطبانی که فعالیت تخصصی انجام می‌دهند، بتوانند مبانی آیه را با ترجمه‌های گوناگون مطابقت بدهند.

لزوم تاسیس ۱۷ کتابخانه استاندارد و یک کتابخانه مرکزی استان تا پایان دهه ۹۰

فریدونی ساخت کتابخانه ی علامه امینی را حاصل تلاش و همدلی همه مسئولین استانی دانست و اظهار داشت: با توجه به تعصب صدرصد فرهنگیمان به کتابخانه های عمومی، امیدواریم تا پایان دهه ی ۹۰ ، حداقل ۳۰ هزار متر مربع به فضای کتابخانه های عمومی استان اضافه شود.

در ادامه این مراسم احمد امیرآبادی نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی ضمن تشکر و قدردانی از همه ی مسئولین به جهت همکاری در تاسیس کتابخانه ی علامه امینی قم به خصوص از دکتر فریدونی، هم افزایی استاندار قم جهت تامین بودجه ساخت کتابخانه ی مرکزی استان را خواستار شد.

امیر آبادی ضمن اشاره به عملکرد نادرست مدیر سابق نهاد کتابخانه های عمومی کشور به جهت برداشت بودجه ی نیم درصد کتابخانه های عمومی شهرستان قم در سال ۹۰ افزود: امیدواریم که در مدیریت جدید نهاد کتابخانه های عمومی کشور شاهد رشد و بالندگی کتابخانه های عمومی استان قم باشیم.

اعلام اینکه زمین این کتابخانه حاصل تعامل و تهاتر شهرداری قم با کتابخانه های عمومی استان است افزود: اگر مسئولین و متولیان امر مساعدت و همکاری لازم را جهت اختصاص زمین مصروف دارند، اداره کل کتابخانه های عمومی استان آمادگی دارد همه تلاش خود را جهت جذب و تامین بودجه ساخت کتابخانه به کار گیرد.

سرپرست اداره کل کتابخانه های عمومی استان قم با تاکید بر اینکه این کتابخانه و دیگر کتابخانه ها پایگاه اجتماعی و فرهنگی مهمی است که باعث امیدواری مردم به خدمات دولت خواهد بود گفت: طی سه هفته ی گذشته که این کتابخانه به صورت آزمایشی راه اندازی شده است، ۵۸۰ نفر جهت استفاده از خدمات این کتابخانه ثبت نام کرده اند.

ایشان با بیان اینکه کتابخانه ی استاندارد برای حوزه ی با تراکم جمعیت ۲۵ هزار نفر برآورد شده است افزود: بر اساس نیازسنجی به عمل آمده حدود ۱۷ کتابخانه استاندارد و یک کتابخانه مرکزی لازم است تا پایان دهه ۹۰ در استان قم تاسیس شود.

سرپرست اداره کل کتابخانه های عمومی استان قم بر لزوم تاسیس ۱۷ باب کتابخانه ی استاندارد و یک باب کتابخانه مرکزی استان تا پایان دهه ۹۰ تاکید کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی استان قم علی فریدونی مدیر کل منابع نهاد کتابخانه های عمومی کشور و سرپرست اداره کل کتابخانه های عمومی استان قم در حاشیه ی مراسم افتتاحیه ی کتابخانه ی عمومی علامه امینی قم که با حضور حجت الاسلام محمدصادق صالحی منشی استاندار قم، سیدعلی غیائی معاون امور استانها، مجلس و مشارکتهای نهاد کتابخانه های عمومی کشور، احمد امیرآبادی نماینده مردم شریف قم در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولین استانی و اهالی محل برگزار شد، گفت: کتابخانه علامه امینی در سال ۱۳۹۲ در زمینی به مساحت ۱۶۹۷ متر مربع با زیربنای ۱۷۷۰ متر مربع زیربنا در سه طبقه با اجرای اداره کل نوسازی مدارس استان با هزینه ای در حدود ۳ میلیارد ریال ساخته شده است.

مدیر کل منابع نهاد کتابخانه های عمومی کشور با

ضیافت افطار اهالی قلم به همت موسسه خانه کتاب (۱۴ تیرماه) با حضور سیدعباس صالحی و جمعی از اهالی قلم در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران برگزار شد. نجفعلی میرزایی، مدیرعامل موسسه خانه کتاب در این مراسم اظهار کرد: تجربه خوب برپایی سالن نخبگان در بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که با تدبیر معاونت فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت و زمینه حضور جمع کثیری از اهالی قلم و نخبگان را فراهم کرد، به مذاق دوستداران کتاب خوش آمد و خانه کتاب علاقه‌مند شد این پدیده را ادامه دهد. وی افزود: برگزاری چنین محافلی در مناسبت‌های مختلف با هدف تعاملات بیشتر اهالی قلم با یکدیگر ادامه خواهد داشت.

مدیرعامل موسسه خانه کتاب با بیان این که معتقدیم

کتاب‌سازی امروز بدتر از کتاب‌سوزی دیروز است

حوزه نشر، کتاب‌سازی است که باعث شده کتاب‌های کم کیفیت در بازار نشر افزایش یابد و آن دسته از کتاب‌های با کیفیت نیز دیده نشوند.

میرزایی با بیان این که کتاب‌سازی امروز بدتر از کتاب‌سوزی دیروز است، گفت: امروز کتاب‌سازی و کتاب‌های زرد باعث می‌شود، اعتقاد، اعتماد و باور مردم نسبت به کتاب های خوب پایین بیاید.

وی افزود: متأسفانه سهم‌دهی و نقش آفرینی شکل‌های نشر در مدیریت دهی کتاب کم است.

مدیرعامل موسسه خانه کتاب ادامه داد: هر جامعه‌ای که پای توسعه و رشد و تمدن در آن مطرح است، اهالی قلم آن جامعه می‌درخشند. میرزایی در پایان سخنانش گفت: موسسه خانه کتاب ابتدا خانه اهل قلم است بعد خانه کتاب. آرزو و امید ما، رشد و بالندگی اهالی قلم است.

معرفی کتاب خداوند اشرف از ظهور تا سقوط

تروریستی بدون شک نقش رجوی غیرقابل‌انکار و تعیین کننده بوده است. فرقه‌ای که با شعارهای فریبدهی آزادی، عدالت اجتماعی، جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی و شعارهای عوام‌فریب دیگر در یکی از سرفصل‌های خطیر تاریخ ایران، هستی یک ملت کهن را با تحلیل‌های ذهنی و عقب‌مانده‌ی خود به یغما برد.

رجوی پس از بن‌بست سیاسی مگرکاری که به دنبال شکست در عملیات موسوم به «فروغ جاویدان» در سال ۱۳۶۷ به آن گرفتار شد، در لوج درماندگی و برای فرار و توجیه شکست‌های مفتضحانه‌ی خود در یک عوام‌فریبی آشکار هم‌ردیفی و بعد مسئول اولی و به دنبال آن انقلاب ایدئولوژیک درونی و ازدواج با مریم را در دستور کار خود قرار داد و از این نقطه به بعد سازمان به یک فرقه تروریستی خطرناک تبدیل شد. دسته دسته اعضا بالاچار زنان خود را طلاق دادند، دفتر سیاسی سازمان منحل گردید و رجوی به عنوان رهبر عقیدتی خدای مجاهدین لقب گرفت. نیروهای معترض و مسئله‌دار تحت عنوان ضد انقلاب مریم و عوامل اطلاعاتی دشمن به زندان‌های داخل سازمان و زندان مخوف ابوغریب انداخته شدند. خفقان مطلق بر تشکیلات حاکم گردید و سازمان هر صدای مخالفی را به کمک نیروهای مخابرات عراق در گلو خفه می‌کرد.

با آشکار شدن برنامه‌های رجوی و فرقه‌گرایی سازمان تعداد زیادی از اعضای سازمان با پی‌بردن به اهداف رجوی از سازمان جدا شده و به افشاگری درباره‌ی فرقه‌گرایی رجوی پرداختند. خاطرات اعضای سابق سازمان ناگفته‌های بسیاری از اقدامات این فرقه و رهبر آن را آشکار می‌کند. کتاب حاضر نیز که به قلم آقای سیدحجت سیداسماعیلی عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین نوشته شده است، حاصل مشاهدات و اطلاعات ایشان از سال‌های حضور در اشرف می‌باشد که روند فرقه‌گرایی در سازمان توسط مسعود رجوی را به خوبی بیان می‌کند

اختلاف‌های موجود و درگیری‌های گروه‌های مختلف سازمان مجاهدین، ضربات مهلکی را بر این سازمان وارد کرد. ساواک در طی مدت زمان کوتاه پس از انشعاب، توانست تعداد زیادی از افراد و گروه‌های پراکنده‌ی مارکسیست و مذهبی وابسته به سازمان مجاهدین را به‌تدریج شناسایی کند و از بین ببرد، به طوری که از اواسط سال ۱۳۵۵ دیگر عملاً سازمانی وجود نداشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سازمان مجاهدین با استفاده از فضای آزادتری که پدید آمده بود، با بالاگرفتن تب فعالیت‌های سیاسی همچون سایر احزاب به سرعت رشد کرد، اما ناکامی‌های سازمان در رقابت‌های سیاسی موجب روی آوردن این سازمان به فاز نظامی شد. عزل بنی‌صدر و بی‌اثر بودن ترورها در نهایت به فرار رجوی و متحدش بنی‌صدر به فرانسه انجامید و بقایای سازمان در ایران نیز مضمحل شدند. در سال ۱۳۶۵ دولت فرانسه مجاهدین را به خروج از پاریس مجبور کرد و از آن پس مرکز استقرار آنها شهر بغداد پایتخت عراق شد. مجاهدین پس از آن به تاسیس شهری در شمال بغداد، در استان دیاله اقدام کردند. این شهر که «اشرف» نامیده می‌شد، مرکز اقامت مجاهدین بود. نام اردوگاه اشرف برگرفته از نام اشرف رجوی، نخستین همسر مسعود رجوی بود. دوران انتقال سازمان به اشرف فصل جدیدی است که به تسلط کامل رجوی بر سازمان و تبدیل آن به یک فرقه منجر شد.

سازمان با استفاده از شگرد‌ها و ترفندهای معمول تمامی فرقه‌ها توانسته است از طریق قطع ارتباط این افراد با محیط داخل کشور و همچنین خانواده‌هایشان، آنان را هرچه وابسته‌تر نگه داشته و در نتیجه به شدت استثمار نماید. در بررسی انحرافات بنیادی و ساختاری و تغییر سمت و سوی سازمان مجاهدین خلق و استحاله‌ی آنها از یک جریان آرمان‌گرا به یک فرقه‌ی سیاسی -



تألیف: سیدحجت سیداسماعیلی
ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

معرفی کتاب: سازمان مجاهدین خلق ایران با استراتژی مبارزه‌ی مسلحانه در

شهریور ۱۳۴۴ توسط محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان سه تن از دانشجویان پیشین دانشگاه تهران که فعالیت‌های جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی آنان را قانع نکرده بود، برای براندازی رژیم شاهنشاهی بنیان‌گذاری شد. در طی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۴ سازمان مجاهدین برای مبارزه با رژیم شاه اقداماتی نظیر بمب‌گذاری و ترور دست زد که حاصل چندان‌ی نداشت. در شهریور سال ۱۳۵۰ و در آستانه‌ی برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، ۱۳ نفر از سران سازمان دستگیر و پس از شکنجه ۱۲ نفر از آنان اعدام شدند. تنها فردی که از مجازات اعدام نجات یافت مسعود رجوی بود. در سال ۱۳۵۴ در شرایطی که بیشتر رهبران سازمان در زندان به سر می‌بردند، تقی شهرام، یکی از اعضای بلندپایه‌ی مجاهدین از زندان ساری گریخت و به سازماندهی نیروهای پراکنده‌ی مجاهدین اقدام کرد. مدتی بعد، وی به همراه چند تن دیگر از جمله بهرام آرام و وحید افراخته، اطلاعاتی موسوم به «تغییر ایدئولوژی» را انتشار داد. در متن مزبور آمده بود که سازمان مجاهدین خلق اعتقادات مذهبی خود را کنار گذارده و ایدئولوژی مارکسیسم را پذیرفته است که منجر به شکافی عظیم در میان اعضای سازمان مجاهدین شد. اکثریت مجاهدین به مارکسیسم رو آوردند و اقلیتی از آنها تحت عنوان مجاهدین مسلمان به اصول مذهبی پافشاری کردند. انشعاب سال ۱۳۵۴،